

چارچوب بندی مجدد ایران: دیدگاه هایی از نزدیک

گزارشی بیانگر دیدگاه های هیات اعزامی
شبکه 20/20
به ایران

فوریه 2007

پتریشیا هانتینگتون
با
جرج بیلارد و تای-هنگ چنگ

دیگر شرکت کنندگان
ریچارد ام. مورفی و سارا فول
ویرایش توسط اندرو مک کورد

ترجمه توسط میثم بی زر
ویرایش فارسی شهرام هاشمی

چارچوب بندی مجدد ایران: دیدگاه هایی از نزدیک

چکیده اجرایی

بیگانگی بین آمریکا و ایران که نزدیک به سه دهه از آن می گذرد در حالی همچنان ادامه دارد که دو کشور برنامه های کاری جغرافیای سیاسی متحاربی را در افغانستان، عراق، لبنان، یا اسرائیل و سرزمین های فلسطینیان دنبال می کنند. روسای جمهوری دو کشور واژه های منفی اغراق آمیزی را علیه کشورهای طرف مقابل استفاده کرده اند، و دیپلمات های آنها نیز بخاطر ممنوعیت هایی که طی چند دهه گذشته برای ارتباط بین مقامات دو کشور وجود داشته است، تجربه بسیار اندکی از یکدیگر دارند. در این جو، حتی تعداد بسیار اندک تبادلات یا همکاری های غیررسمی میان آمریکایی ها و ایرانی ها در معرض مورد حمله قرار گرفتن توسط بسیاری در ایران و آمریکا هستند که از آنها به عنوان راهبردهای "اسب تروا" یاد می شود که دارای نیاتی متخاصمانه هستند. در عین حال تمایل برای ارتباط با آمریکا در میان ایرانیان بسیار گسترده است. در صورتی که قرار باشد با بخش چشم گیری از جامعه ایرانیان که از ایجاد روابط سازنده با آمریکا استقبال می کنند به صورت موثری تعامل شود، درک بهتر از سیاست ها، تاریخ، و شرایط کنونی ایران بسیار ضروری است. در پاییز 2006، اعضای شبکه 20/20 اقدام غیرمعمولی را در اعزام دو هیئت به ایران اتخاذ کرد تا اطلاعات دست اولی به دست آورد و در این کشور بسیار مهم پل هایی را با همتایان آنها ایجاد نماید. این هیئت ها سه هدف را دنبال می کردند:

(1) به دست آوردن درک بهتر از ایران و ایرانیان در جو جغرافیایی سیاسی امروز

(2) به دست آوردن بینش بهتر از تاثیر 28 سال فاصله در روابط دو جانبه ایرانیان و آمریکا

(3) ارائه پیشنهادات جدی برای چارچوب بندی مجدد مسائل و از سرگیری روابط دیپلماتیک بین ایران و ایالات متحده آمریکا

در دو سفر 10 روزه جداگانه به ایران، شبکه 20/20 بیش از 50 مصاحبه در شش شهر و چند روستا انجام داده است. برخی از این ملاقات ها از پیش برنامه ریزی شده بود ولی دیگر ملاقات ها به صورت خود به خود در قهوه خانه ها، اماکن تاریخی، در خیابان و بازارها صورت گرفته است. مصاحبه شوندگان به نمایندگی از بخش های مختلف جامعه ایرانیان انتخاب شده بودند که شامل دانشجویان، سربازان، رانندگان تاکسی تا مقامات دولتی، ملاها، رهبران NGO، و روسای دانشگاه ها بودند. بسیاری از مصاحبه شوندگان انگلیسی صحبت می کردند؛ با آن دسته از مصاحبه شوندگانی که انگلیسی صحبت نمی کردند نیز اعضای فارسی زبان شبکه 20/20 گفت و گو می کردند.

روبهم رفته، ما متوجه شدیم علاقه به داشتن روابط بهتر با آمریکا بسیار قوی است، و مخالفت با سیاست های آمریکا به معنی مخالفت با مردم آمریکا نیست، و در برخی موارد اندک نیز همکاری های آمریکا و ایران در زمینه های پزشکی، محیط زیست، تجارت و مبارزه با مواد مخدر همچنان باقی مانده است.

احساسات و وطن پرستی در میان ایرانیان از سراسر طیف های مختلف سیاسی وجود دارد و بخاطر ناراحتی ها از مداخلات پیشین آمریکایی ها و انگلیسی ها در امور داخلی آنها تشدید شده است. برنامه هسته ای ایران بیشتر به عنوان نماد استقلال و شهرت ایران نگاشته می شود تا یک راهبرد نظامی یا گسترش تسلیحات کشتار جمعی. حتی مخالفان اصلی تشکیلات روحانی و امنیتی ایران نیز شدیداً با دیپلماسی اجباری آمریکا و بخصوص تهدید حمله نظامی مخالف هستند. هرچند اکثر اصلاح طلبان احساس می کنند تهدیدات حمله نظامی و تغییر حکومت برای برنامه های اصلاحات آنها نتیجه معکوس خواهد داشت، ولی به صورت محرمانه معتقدند برای تبدیل کردن حکومت روحانیون به حکومتی متعادل فشارهای خارجی بسیار حیاتی است. به عنوان مثال حفظ فشارهای دیپلماتیک علیه دولت ایران بخاطر سابقه حقوق بشر آن و ایجاد اختلال در روند صلح خاورمیانه گرایشی است که بسیاری از اصلاح طلبان از آن استقبال می کنند.

در داخل ایران، بحث های سیاسی جریان دارد، بدبینی در مورد انگیزه های دولت بسیار زیاد است، و موسسات آزاد اندیش جامعه مدنی نیز بسیار استوار بوده اند. هرچند تحلیل گران غربی معمولاً این کشور را با استفاده از واژه های ناپخته اختلاف بین "اصلاح طلبان" و "محافظة کاران" توصیف می کنند، ولی این توصیفات با واقعیت فاصله زیادی دارد و انطباق سیاسی و ایدئولوژی شخصی نیز می تواند بسیار متغیر باشد.

پیشنهادات اصلی ما به رهبران نظریه پردازان و سیاست گذاران آمریکا به شرح ذیل است:

- دولت آمریکا باید روابط دیپلماتیک خود با ایران را از سر گیرد. ایالات متحده آمریکا همچنین باید از ارسال پیام های سیاسی مختلط خودداری کند. به عنوان مثال کنگره نباید لایحه ای را به تصویب برساند که از یک سو از دموکراسی ایرانیان حمایت کند و از سوی دیگر از تغییر حکومت ایران حمایت کند.
- دولت آمریکا باید در میان دیپلمات های خود در مورد ایران تخصص ایجاد کند و از پروژه ها یا تبادلات مشترک در زمینه های محیط زیست، آموزش، علوم، بهداشت عمومی، و فرهنگی از طریق سازمان های غیر دولتی (NGO)، سازمان های چند جانبه، یا بنیادهای خصوصی که کمتر جدال آمیز است حمایت کند.
- دولت آمریکا باید در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی، و اصلاحات اقتصادی همکاری کند. در نهایت آمریکا باید همانگونه که به چین کمک کرد، به ایران نیز در پیوستن به سازمان های بین المللی از جمله سازمان تجارت جهانی کمک کند.
- کنگره باید جلسات استماع علنی را در مورد چگونگی برقراری روابط با ایران برقرار کند. عده زیادی از متخصصان در مورد شرایط، سیاست ها، و نگرش های ایران در میان ایرانیان آمریکایی و در میان دانشگاهیان، خبرنگاران، دیپلمات های سابق، و برخی از تجار در داخل آمریکا وجود دارد. در جای ممکن، باید از متخصصان و نظریه پردازان برجسته دعوت شود تا در چنین جلسات استماعی در مورد ایران شرکت کنند.
- در جو کنونی که دارای بار الکتریکی بسیار زیاد است، روابط فرد-به-فرد بایستی فراتر از تنها ایجاد روابط حسن نیت میان ایرانیان و آمریکایی باشد و باید آزمایش راه های مختلف برای افزایش سطح مباحثه بین دو کشور را آغاز کند.

پیشنهادات کامل را در صفحه 20 مشاهده فرمایید.

مقدمه

آمریکایی ها و ایرانیان به تاریخ مشترک خود با لنزهای مختلفی نگاه می کنند، به وقایع مختلفی توجه می کنند و نارضایتی های مختلفی را برجسته می نمایند. برای بسیاری از ایرانیان، سرنگونی محمد مصدق، نخست وزیر منتخب آنها در سال 1953 لحظه تعیین کننده ای در روابط آنها است. آن کودتا که توسط مقامات آمریکایی برنامه ریزی شده بود، باعث به قدرت رسیدن محمد رضا شاه پهلوی شد که دولت آن در سرکوب مخالفان سیاسی بسیار بی رحم بود و علیرغم اینکه به نظر غرب می رسید که ایران در حال امروزی شدن است، و به طور کلی نسبت به توسعه انسانی در میان موضوعات خود پاسخگو نبود. حمایت های آمریکا از شاه طی بیش از ربع قرن توسط دسته گسترده ای از ایدئولوژی ها به عنوان مدرکی تلقی می شود که اهداف آمریکا به نفع ایران نیست. همچنین حمایت های آمریکا از عراق در زمان جنگ ایران و عراق همچنان در خاطر جوانان ایرانی و مقامات دولت ایران که از نسل احمدی نژاد هستند طنین انداز است و این مساله باعث افزایش بی اعتمادی ها به آمریکا می شود. در نهایت نیز تهاجم سال 2003 آمریکا به عراق باعث می شود این رنجش ها در میان ایرانیان پیر و جوان به صورت مشترک زنده باقی بماند.

در عوض بسیاری از آمریکایی ها نیز به ایران با دید حمله سال 1979 به سفارت آمریکا در تهران و گروگان گیری 444 روزه 66 دیپلمات و کارکنان پشتیبانی آنها می نگرند. برای بسیاری از آمریکایی این کار شاق نخستین آگاهی آنها از سیاست های ضد آمریکایی در جهان اسلام بود که از نظر مذهبی نیز توجیه پذیر بود.

تقارن خنثی کننده ناراحتی ها بین آمریکایی ها و ایرانیان در سطح سیاست خارجی تکرار شده است: حمایت های آمریکا از اسرائیل، مصر، و عربستان سعودی، رقابای اصلی قدرت ایران در منطقه، توسط دولت ایران به عنوان خصومت نگاشته می شود، و از سوی دیگر نیز حمایت ایرانیان از حزب الله در لبنان و حماس در سرزمین های فلسطینیان از نظر دولت آمریکا به عنوان تهدید چشم گیری علیه منافع حیاتی آمریکا در اسرائیل محسوب می شود. باتوجه به افزایش نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس و بازداشت های اخیر اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در شمال عراق، تنش ها بیشتر شده است. رویارویی میان دو کشور هم منافع ملی آمریکا و هم صلح و امنیت جهانی را به خطر می اندازد.

در حالی که نفوذ آمریکا در خاورمیانه به صورت خشونت آمیزی در عراق، افغانستان، پاکستان و خاور شرق به چالش کشیده شده است، نفوذ ایران افزایش یافته است، که گاهها همچون کمک های عمرانی خود در غرب افغانستان به عنوان یک نیروی تثبیت کننده عمل کرده است و در برخی موارد نیز همچون در لبنان، سرزمین های فلسطینیان، و بر اساس ادعاهای دولت آمریکا در عراق نقشی مخرب ایفا کرده است. ولی اینکه اجازه دهیم اختلافات عمیق در مورد مسائل امنیتی از برگزاری مذاکرات بیشتر میان دو کشور جلوگیری کند یک اشتباه است. بایستی به اختلافات سیاسی میان دو کشور اشاره کرد، و چارچوب مذاکراتی که مورد قبول دو کشور باشد باید تعیین گردد.

این یک ماموریت غیر ممکن نیست. هرچند به نظر مهمل می رسد ولی در حقیقت ایالات متحده و ایران در زمینه های متفاوتی به یکدیگر نزدیک تر شده اند: تجارت ایرانیان با آمریکا از طریق طرف های سوم شدیداً از زمان انقلاب افزایش یافته است؛ پس از کاهش شدید صدور روادید برای دانشجویان ایرانی که در سال های 2001 و 2002 به آمریکا می رفتند، تعداد دانشجویان ایرانی که برای تحصیل به آمریکا می روند بار دیگر افزایش یافته است؛ و بخصوص، آمریکا تماس های سطح متوسط با مقامات دولت ایران را که در هماهنگی تماس های آمریکا با جبهه ائتلاف شمال افغانستان پیش از شکست رژیم طالبان در اواخر سال 2001 بسیار سودمند بود حفظ کرده است.

بمنظور تنظیم یک سیاست خارجی جدی و موفقیت آمیز در قبال ایران، آمریکایی ها به اطلاعاتی در مورد تفکر، اعتقاد، و احساس آنها در مورد جامعه خود و چگونگی جایگیری آن در سیستم بین المللی احتیاج دارند. این گزارش تلاشی برای تهیه شکل اجمالی از دیدگاه ایرانیان نسبت به روابط آمریکا و ایران، و اهداف و نیات آنها، به عنوان اشخاص و کشورشان است که بر اساس مصاحبه هایی که مستقیماً انجام شده به دست آمده است. یافته های ما بیشتر بر اساس مصاحبه هایی است که در ایران انجام شده است، و اطلاعات دیگر نیز از طریق تبادلات ایمیل و دیدارهای محرمانه و خصوصی در آمریکا، کانادا، و اروپا با محققان، NGOها، سازمان های بین المللی، تجار، و خبرنگاران، صورت گرفته است که بسیاری از آنان دائمابن ایران سفر می کنند. ما صرفاً بخاطر اینکه انتشار نام مصاحبه شوندهگان ممکن است در برخی موارد و به طریق غیر قابل پیش بینی زندگی آنها را تحت تاثیر قرار دهد از انجام این کار خودداری کرده ایم.

یافته های اصلی

به گفته رییس یکی از دانشگاه های معتبر تهران، علیرغم وجود انجماد در روابط دولت با دولت، راه آغاز همکاری های بیشتر میان ایرانیان و آمریکایی ها از طریق سفرهای شخص به شخص است که به ما اجازه می دهد احساسات اساسی خود را مورد سؤال قرار دهیم. او در دیدار با اعضای هیئت ما گفت "آمدن به اینجا برای صحبت کردن با افرادی همچون من بمنظور به دست آوردن درک بهتر از واقعیت یکی از راه هایی است که همه ما می توانیم بفهمیم گاهی آنچه ما اعتقاد داریم با واقعیات حقیقی بسیار متفاوت است. اینگونه کاوش ها تنها می تواند به درک بهتر و همکاری بیشتر بین دو کشور ما منجر شود."

لفاظی ها در مورد تغییر حکومت به ضرر روابط و اصلاحات است

در عین حال در فضای تشدید شده مربوط به بحث تحریم های در شورای امنیت سازمان ملل متحد، اصلاح طلبان جوانی که با آنها دیدار کردیم از این مساله ناراحت هستند که هر بار آمریکا بیانیه هایی را صادر می کند که ایران را تهدید به منزوی می کند، از سوی تندروها تحت فشار قرار می گیرند. آنها به ما گفتند آمریکایی ها باید ایران را بر اساس شرایط آن درک کنند و به ایرانیان گوش دهند و بجای تکیه به تصورات کلیشه ای، در مورد واقعیات داخلی آن بیاموزند. به ما گفته شد دیپلماسی چماق بزرگ آمریکا تنها باعث تحریک تندروهای ایران می گردد و اصلاح طلبان را به عقب می اندازد.

همدست کردن ایران با کره شمالی و عراق و آن را عضوی از "محور شرارت" دانستن آن هم بلافاصله پس از آنکه ایران از آمریکا در افغانستان حمایت کرد تأثیرات زیان آوری داشته است. به گفته یکی از مقامات بازنشسته دولت در تهران، "آمریکا فرش را از زیر پای ایرانیان جهان گرا که از نزدیکی به آمریکا حمایت کرده بودند کشید." جواد ظریف، سفير ایران در سازمان ملل متحد که در آن زمان ریاست مذاکره کنندگان کشور خود با واشنگتن در مورد افغانستان را برعهده داشت توضیح داد چگونه لقب "محور شرارت" چنین تأثیر منفی در ایران داشته است. او گفت بسیاری از ایرانیان بخاطر کمک ایران در افغانستان انتظار واکنشی مثبت از سوی آمریکا داشتند و بخاطر لقب زهردار "محور شرارت" که در عوض دریافت کردند خشمگین شده و جریحه دار شدند. او به ما گفت "اشتباه ایران این بود که امیدوار بود آمریکا نیز اقدام متقابلی انجام دهد و کمک های ایران در افغانستان را به کمک آمریکا به ایران در دیگر زمینه ها مرتبط سازد." این احتمال وجود دارد که ایران در آینده نیز معامله های سختی با آمریکا داشته باشد.

در مورد تنش ها بین آمریکا و ایران، نیکولاس برنز معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاسی نیز به ما گفت آمریکا و ایران تنها تماس های محدود پشت پرده ای را حفظ کرده اند. برنز اظهار داشت شخص او هرگز با یک مقام ایرانی در یک اتاق نبوده است و وزارت امور خارجه آمریکا کادر فارسی زبانان ندارد. به گفته او، "هیچ کس در نسل ما وجود ندارد که در ایران خدمت کرده باشد. هیچ کس در هیئت من وجود ندارد که به هیچ صورت، شکل یا نوع با ایرانیان کار کرده باشد. و ما باید این مساله را درست کنیم." به همین منظور برای نخستین بار برای کارمندان وزارت امور خارجه کلاس زبان فارسی گذاشته است.

او دفتر ویژه ای را در دبی تاسیس کرده است که دیپلمات های آمریکایی می توانند به هنگام ورود و خروج ایرانیان به یا از تهران با آنها دیدار کنند، و گروه کاری داخلی ویژه ای را نیز در داخل وزارت امور خارجه تاسیس کرده است که تبادل اطلاعات در مورد ایران را تسهیل نماید.

در حالی که محمود احمدی نژاد رییس جمهوری تندرو ایران در برابر فشارهای بین المللی برای قرار دادن برنامه هسته ای خود در معرض بازرسی کامل بین المللی مقاومت می کند و آمریکا نیز شکایت های جدیدی را در مورد نفوذ ایرانیان در عراق مطرح کرده است، طرفداران اصلاحات دموکراتیک بخاطر عقب گردهایی که احمدی نژاد در انتخابات شورای شهر و "مجلس خبرگان"، که به آیت الله خامنه ای رهبر ایران مشاوره می دهد، در دسامبر 2006 دریافت کرد جرات بیشتری یافته اند. تا زمانی که تنش ها بسیار شدید است، حتی لیبرال های سکولار در ایران نیز علاقمند به دریافت کمک از سوی دولت آمریکا نیستند. همچون اکبر گنجی که یک خبرنگار است، مخالفان مهم غالباً پیشنهادات دولت آمریکا را رد می کنند.

قانون حمایت از آزادی ایران که بر اساس آن از طرح پخش برنامه های رادیویی و تلویزیونی حمایت از دموکراسی حمایت می شود در سال 2006 به عنوان بسته ای که تهدید به اعمال تحریم علیه برنامه هسته ای ایران می کند با حمایت گسترده هر دو حزب آمریکا در هر دو مجالس کنگره این کشور به تصویب رسید، بیشتر به عنوان تبلیغاتی در خدمت سیاست های تغییر حکومت آمریکا مشاهده می شود. احسان نراقی، جامعه شناس و مشاور سابق سازمان یونسکو نیز از ابتدای مطرح شدن چنین لایحه ای در کنگره با آن مخالفت کرده بود و طی نامه ای که برای ریک سانتوروم نماینده ایالت پنسلوانیا در مجلس سنا نوشت اعلام کرد "حمایت شما تنها به قدرت طلبان این فرصت را خواهد داد تا فعالان آزادی خواه را به همدستی با ابرقدرت آمریکایی متهم کنند."

یکی از کارخانه دارانی که در یزد با او ملاقات کردیم هشدار داد "تهدیدات آمریکا به تغییر رژیم، بمباران، و تحریم های سازمان ملل باعث تقویت تندروهای ما خواهد شد. ما به عقب برگردانده خواهیم شد و اگر در نهایت جنگ آغاز شود آزادی ما گرفته خواهد شد." یکی از افرادی که در گروگان گیری سال 1979 دست داشته است و هم اکنون از مروجان حقوق بشر و دیگر اصلاحات است به ما شکایت کرد که افزایش حمایت ها از اصلاحات داخلی، که نماد آن انتخاب رییس جمهور محمد خاتمی با 70 درصد آرا در سال 1979 و سپس 78 درصد آرا در سال 2001 بود بخاطر سخنرانی "محور شرارت" رییس جمهور بوش در سال 2002 "در مسیر خود متوقف شد." در سال 2004 نیز نامزدهایی که در جنبش اصلاحات حضور داشتند تنها توانستند 39 کرسی از 290 کرسی مجلس، یا پارلمان را به خود اختصاص دهند. در سال 2005 نیز محمود احمدی نژاد که در میان کهنه سربازان سپاه پاسداران جنگ ایران و عراق در دهه 1980 مورد حمایت بود و با خامنه ای، رهبر معظم ایران، هم پیمان بود توانست در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری با 62 درصد آرا اکثریت آرا را به خود اختصاص دهد. هرچند یکی از دلایل اصلی تجدید فعالیت سیاستمداران متحد با ساختار قدرت روحانی ایران در سال 2005 این بود که طرف های جناح راست توانستند ثابت کنند می توانند در انتخابات بدون حزبی شرکت کنند، ولی تاثیر تشدید اظهارات و اقدامات ضد ایرانی آمریکا را نیز نباید نادیده گرفت.

وطن پرستی یک سرگرمی ملی است

بمنظور تعامل موثرتر با افکار عمومی ایرانیان، مقامات آمریکایی و همچنین ناظران مستقل بایستی این مساله را درک کنند که وطن پرستی تا چه اندازه در جامعه ایرانیان جریان دارد. وقتی ایرانیان احساس می کنند کشورشان مورد تهدید است، وطن پرستی بسیار فراتر از خشم و تنفرها از حکومت کم طرفدار می شود و این مساله می تواند نشان دهد که چگونه ایران در یک زمان می تواند هم مورد علاقه نباشد و هم از ثبات برخوردار باشد. ما از دانشجویانی که دارای افکاری اصلاح طلبانه هستند و مغازه دارانی محافظه کار اظهارات مشابهی را در مورد افتخار آنها به تمدن ایران می شنیدیم. تأکید بر استقلال ایران نه تنها در اظهارات جنگجویانه رییس جمهور احمدی نژاد، بلکه در افکار مغازه داران نیز وجود داشت که به ما می گفتند او می داند آژانس بین المللی انرژی اتمی چیست ولی اهمیت نمی دهد که آیا برنامه هسته ای ایران مطابق با معاهدات IAEA است یا خیر. علیرغم اظهاراتی اینچنین گوش خراش، ما متوجه شدیم حمایت عمومی از برنامه هسته ای به اندازه ای که دولت مدعی است فراگیر و قطعی نیست و در صورتی که رسانه ها کمتر مورد کنترل بودند به اطلاعات بیشتری در مورد این مساله دسترسی می داشتند.

یکی از دیپلمات ها در تهران که در جامعه بین المللی نیز خدمت کرده است به ما گفت "آمریکا و ایران تنها در صورتی می توانند با یکدیگر همکاری کنند که منافع مشترک آنها محترم شمرده شود و تنها بر اساس منافع سلطه جویانه آمریکا که طی بیش از 50 سال گذشته بوده است نباشد." هر چند ایرانیان از اینکه کشورشان یک کشور منفور باشد خسته شده اند ولی از قدرت و اهمیت جهانی رو به افزایش کشور خود مفتخر هستند. به گفته این دیپلمات "تا زمانی که آمریکا در باتلاق عراق گیر افتاده است ایران از قدرت برخوردار است." رییس دانشگاهی در تهران نیز گفت: "اهداف مردم ایران تنها به شکوفایی و موفقیت اقتصادی خلاصه نمی شود. مردم می خواهند کشورشان در عرصه بین المللی از استقلال برخوردار باشد و حرفی برای گفتن داشته باشد."

ملاقات های ما در ایران از طریق تماس هایی که پیش از سفر ما به ایران هماهنگ شده بود صورت گرفته بود که گاهی از ارتباطات شخصی اعضای خود نیز استفاده کرده بودیم. ما همچنین به هنگام سفرهای خود به دور کشور مصاحبه هایی را انجام دادیم. بسیاری از مردم از ما استقبال کردند و از اینکه در مورد مسائل بسیار مختلفی به صورت مفصل و بی پرده صحبت می کردند خوشحال بودند. ولی در چارچوب اجتماعی که ساختار قدرت روحانی دارای دستگاه های نظارتی و انتظامی در نیروی شبه نظامی چند میلیونی بسیج (متعلق به سپاه پاسداران) است، مردمی که دارای افکاری اصلاح طلبانه بودند بیشتر قابل دسترسی بودند. تعداد حامیان آیت الله خامنه ای یا رییس جمهور احمدی نژاد بسیار کمتر از کسانی بود که با آنها مخالف بودند یا آنها را مورد سؤال قرار می دادند. محافظه کارانی که با آنها ملاقات کردیم حتی اگر از امور خارجی درکی نداشتند شدیداً وطن پرست بودند. به عنوان مثال یک خانم معلم محافظه کار در تهران به ما گفت بخاطر اینکه رییس جمهور ایران حقوق او را افزایش داده است همچنان از او و سیاست های خارجی او هرچه که باشد حمایت خواهد کرد. وقتی از او در مورد محکومیت یهودیان توسط احمدی نژاد سؤال کردیم نیز اظهار داشت هیچ اطلاعی در مورد هولوکاست ندارد ولی او بخاطر اینکه احمدی نژاد "بخاطر فلسطینیان در برابر جهان ایستاده است" به او افتخار می کند.

شخص رییس جمهور احمدی نژاد

در ملاقات به صرف صبحانه ای که ما در نیویورک شرکت کردیم، رییس جمهور احمدی نژاد تکذیب هولوکاست را کم اهمیت تر جلوه داد، و تنها بر اعتقاد خود تاکید کرد که فلسطینیان بخاطر رنج یهودیان در دوران جنگ جهانی دوم مجبور شده اند که رنج بکشیند. او در یک جمله بندی مصطلح که در لفاظی های او بسیار عادی است اظهار داشت "آهنگری مرتکب گناه شد، و آنها برای جبران آن سر یک آهنگر دیگر را بریدند." مرد قد کوتاهی با بادگیری سفید رنگ که همه جا به تن می کند، احمدی نژاد تفاوت های زیادی با آیت الله های با عمامه سیاه رنگ دارد که او پیمان دشواری با آنها دارد. او با احترامی مودبانه از ما استقبال کرد و پس از آن با ما دو ساعت گفت و گو کرد و به ما اجازه داد هر سؤالی که می خواستیم بپرسیم.

احمدی نژاد سؤال های مهم را به حاشیه می راند و به عنوان مثال با دفاع از آزادی بیان در ایران می گفت "هیچ کس در آمریکا دمکراسی را مورد سؤال قرار نمی دهد، ولی در ایران ما همه اصول دولت اسلامی را مورد سؤال قرار می دهیم." هر چند این تبادل نظرات باعث بوجود آمدن زمینه ای مشترک که بتوان بر اساس آن اختلافات آمریکا با ایران را حل کرد، ولی احمدی نژاد اعلام کرد علاقمند به مذاکره است، و قول داد مجامعی را برای تبادلات در زمینه های فنی همچون هوافضا برگزار کند و اظهار داشت "آمریکایی ها می توانند بدون انگشت نگاری و برخورد غیرمحترمانه به ایران سفر کنند." (روایت شخص رییس جمهور احمدی نژاد مورد مخالفت وزارت امور خارجه قرار گرفته بود، و به تعدادی از خبرنگارانی که به همراه احمدی نژاد به سازمان ملل می آمدند روایت داده نشد).

سخنرانی های اتهام آمیزی که رییس جمهور احمدی نژاد روز قبل از ملاقات ما در سازمان ملل متحد ارائه کرده بود در این ملاقات که هیچ تماشاگر دیپلماتیکی برای نظاره عملکرد او حضور نداشت، شدیداً خاموش شده بود. او تقریباً برای اهداف خود نوعی احساس عرفانی توصیف کرد. او با اشاره به اینکه در دهه 1980 در جنگ ایران و عراق در سپاه پاسداران خدمت کرده بود اظهار داشت "ایرانیان دارای یک رابطه عاشقانه با ایران هستند. حتی ارمنی ها و یهودیان نیز در این جنگ شرکت کردند." در لحظه ای دیگر نیز او اظهار داشت "ایده ها همچون نوک قله برای کوهنوردان هستند. شما به هنگام کوهنوردی ضمن نگاه کردن به قله باید به پاهای خود نیز نگاه کنید. ما باید به سمت ایده ال به سمت بالا حرکت کنیم. در غیر اینصورت زندگی خسته کننده خواهد شد." البته بار دیگر تبادلات زیادی صورت نگرفت که زمینه ای را برای درک مشترک ایجاد کند ولی این ملاقات که پشت درب های بسته صورت گرفت بینشی را از طرف آرام تر شخصیت رییس جمهور ایران، و شاید جنبه درخواست داخلی او در ایران ارائه کرد. "از راننده تاکسی تا نانوا، هیچ کس نگران نیست اگر آمریکا حمله کند چه اتفاقی رخ خواهد داد... ایرانیان استقامت درونی دارند."

دولت ایران باید پاسخگوی انتظارات رو به افزایش باشد

در ایران بارها ادعای احمدی نژاد مبنی بر اینکه دولت او نسبت به بهبود شرایط زندگی مردم مورد تایید قرار گرفت. ولی ما این مساله را نیز متوجه شدیم که دولت با مشکلات رو به افزایشی برای ارائه مزایای اقتصادی مکفی مواجه شده است.

علیرغم افزایش شدید قیمت نفت طی چند سال اخیر و افزایش شدید نرخ کلی اقتصاد، مزایای آن برای ایرانیان بسیار اندک بوده است.

نزدیک به یک سوم قرن تحریم به آنها خسارت های زیادی وارد کرده، و ضمن تشدید بازار سیاه باعث شده است ایرانیان هزینه بسیار زیادی را برای دارو و دیگر مواد لازم پرداخت کنند. مالیات که برآورد شده نزدیک به 30 درصد باشد نیز باعث فرساییده شدن استانداردهای زندگی شده است؛ قیمت برخی مواد اولیه همچون گوجه فرنگی و سیب زمینی طی شش ماه چهار برابر شده است. زیر بناهای نفتی این کشور نیز در حال از بین رفتن است و باتوجه به اینکه نمی تواند سهمیه صادراتی که توسط سازمان اوپک تعیین شده است را برآورده نماید، نتوانسته از این وضعیت که قیمت نفت بسیار بالا است استفاده لازم را ببرد. مصرف داخلی گاز طبیعی و بنزین که دولت یارانه های بسیار زیادی را برای آن پرداخت می کند شدیداً رو به افزایش است، و در مورد بنزین، ظرفیت محدود پالایشگاه های ایران به این معنی است که باید بنزین را با نرخ بازار وارد کند تا بتواند آن را به قیمت گالونی 35 سنت به فروش برساند. مازاد درآمدهای بدست آمده از درآمدهای نفتی که از آن برای پرداخت یارانه بنزین استفاده نمی شود ظاهراً توسط دولت و شبکه ای از سازمان های روحانیون که براین درآمدها کنترل دارند استفاده می شود. در سال های پس از انقلاب 1979، استاندارد زندگی برای متوسط ایرانیان شدیداً افزایش یافت، هرچند که درآمد ناخالص داخلی شدیداً کاهش یافت و تنها طی سال های اخیر توانسته است به سطح قبل از انقلاب بازگردد. بیش از 90 درصد جمعیت کشور از برق و آب برخوردار هستند. همچنین 90 درصد از خانه داران شهری از گاز طبیعی برای طبخ برخوردار هستند. بهداشت، تنظیم خانواده، آموزش اولیه، و دیگر خدماتی که توسط دولت ارائه می شود شدیداً گسترش یافته است. نرخ تولد به میزان جایگزینی جمعیت ایران کاهش یافته است. نزدیک به 90 درصد خانه داران قادر به خرید تلویزیون بودند و مناطق روستایی نیز از خدمات تلفنی برخوردار هستند.

بر اساس آمار سازمان یونیسف، میزان مرگ و میر کودکان در دوران حکومت شاه به اندازه مرگ و میر کودکان در هند بود که در آن زمان کشوری فقیر تر بود. پس از انقلاب این آمار از 130 کودک در یک هزار کودک زیر پنج سال در سال 1980 به 72 نفر در سال 1990، 55 نفر در سال 1995، 44 نفر در سال 2000، و 41 نفر در سال 2002 کاهش یافته است. برنامه عمران سازمان ملل متحد UNDP نیز در گزارش توسعه انسانی سال 2006 خود اعلام کرد درآمد سرانه ایران که یک کشور نفت خیز است 7 هزار و 525 دلار است که آن را از میان 177 کشور در رده 72 قرار داده است. البته این به این معنی نیست که این درآمد باعث افزایش سطح استاندارد زندگی نشده است: هرچند میزان فقر مطلق در ایران بسیار اندک است (سی و پنجمین کشور از 177 کشور، اندکی کمتر از دوران شاه)، ولی از نظر شاخص توسعه انسانی در رده 96 قرار دارد. از نظر امید به زندگی و سواد بزرگسالان در رده 85، و از نظر پذیرش دانش آموزان احتمالی در مدارس، دانشکده ها، و دانشگاه ها در رده 92 قرار دارد.

در صلح، ستیزه جویان اقتصادی دولت خود را مورد سؤال قرار داده اند

ناتوانی های اخیر دولت ایران بمنظور رفع انتظارات رو به افزایش مردم باعث شده تا بسیاری از ایرانیان قدرت رهبران خود را مورد سؤال قرار دهند. ما با بسیاری از ایرانیان ملاقات کردیم که برای استاندارد زندگی خود دارای شغل دوم بودند. یکی از افسران سابق نیروی دریایی که هم اکنون 67 سال سن دارد و هم اکنون به عنوان یک مهندس مکانیک و راننده تاکسی کار می کند می گوید: "آنها فقط برای ما شعار می دهند. صحبت در مورد فلسطینیان و حزب الله به من کمک نخواهد کرد برای نوادگانم شیر بخرم."

دستمزد شغل های تخصصی نیز بسیار پایین است. به ماه گفته شده بود یک مهندس یا استاد دانشگاه برای خرید مسکن یا فرستادن فرزندان خود به دانشگاه با مشکل مواجه است. یک خبرنگار زن که سی و چند سال سن داشت اعلام کرد وقتی یک ناوایی محلی در تابستان گذشته به هنگام جنگ اسرائیل و حزب الله برای تعمیرات تعطیل شده بود همسایگان او فوراً به این نتیجه رسیدند که دولت ایران همه آرد کشور را به لبنان فرستاده است. آرزوهای اقتصادی ایرانیان می تواند نیروی مولد مهمی برای تعامل بیشتر با جامعه بین المللی باشد. در عین حال تهدیداتی همچون ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس یا تحریم های گسترده تری که بر زندگی مردم ایران تأثیر داشته باشد می تواند به تثبیت قدرت تندروها و بسته تر شدن ایران در مقابل غرب منجر گردد.

بر اساس آمار بخش جمعیت سازمان ملل متحد، دو سوم مردم ایران زیر 35 سال سن دارند و بر اساس آمار بانک جهانی، میزان ورود جوانان به نیروی کار سالانه 200 هزار نفر بیشتر از اشتغال زایی است. در سپتامبر 2006 بانک جهانی نرخ بیکاری در ایران را 11.5 درصد اعلام کرده بود که این میزان در میان جوانان 23.5 درصد بوده است. حال آنکه شش ماه قبل این میزان 10.9 و 22.4 درصد بوده است. مردان و زنان جوانی که با آنها ملاقات کردیم نسبت به فرسوده بودن اقتصاد ایران شکایت داشتند و می گفتند بیکاری در حال افزایش است، و دستمزد مشاغل غیر تخصصی همچون رانندگان اتوبوس و تاکسی به صورت غیر قابل تحملی کم است. آنها دولت را بخاطر سوء مدیریت مقصر می دانند. آنها می گویند "دولت همه جا هست. همه ما به نوعی برای دولت کار می کنیم زیرا دولت به اندازه ای بزرگ است که در همه امور نفوذ دارد. از آن نمی شود فرار کرد."

علاوه بر آن، ممنوعیت قانونی مالکیت خارجی در ایران باعث شده است زیر بناهای نفتی آن رو به خرابی پیش برود. زیرا بر اساس قانون ایران اجازه ندارد منابع نفتی خود را با توسعه دهندگان پالایشگاه های خارجی به مشارکت بگذارد و خود ایران نیز از سرمایه، فن آوری و مدیریت لازم برای ساخت آنها برخوردار نیست. یکی از متخصصانی که در جستجوی کار بود با لحن تندى از ما پرسید "چرا وقتی ما یک کشور بزرگ تولید کننده نفت هستیم باید بنزین وارد کنیم؟" برخی از کارفرمایان جوان نیز معتقدند سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند فرصت های شغلی جدیدی را بوجود آورد. یکی از صاحبان مشاغل کوچک در شیراز معترض بود که دولت علیرغم اینکه در گذشته 80 درصد استخدام ها را در اختیار داشته است تازه به کندی اقدام به خصوصی سازی نموده است ولی باتوجه به موقعیت منزوی شده ایران در جهان احتمال موفقیت آمیز بودن آن بسیار کم است. شخصی به نام سامی که شرکت او به شرکت های فروش کارت های تلفنی زمان تماس می فروشد نیز اظهار داشت بخاطر دیدگاه های منفی ایران در میان مشتریان بین المللی او، شغل او خسارت های زیادی را متحمل شده است.

ایدئولوژی بخاطر رشوه خاری بی اعتبار شده و توسط رسانه ها تحلیل رفته است

جوانان دیگر نیز بخاطر فساد از دولت اعتراض داشتند. احمد، که یک کارفرمای 37 ساله است وقتی در بازار واردات کامپیوتر با یکی از مقامات دولتی که در زمینه واردات کامپیوتر دست داشت به رقابت پرداخت متوجه شد که از این شغل کنار گذاشته شده است. به گفته احمد "اگر آنها به شما بگویند دیگر ادامه ندهید، هیچ کاری نمی توانید انجام دهید. من می بایستی کل شغل خود را کنار بگذارم." وقتی ما با او ملاقات کردیم او ضمن اینکه سعی داشت یک شغل بازاریابی اینترنتی راه اندازی کند به عنوان مترجم و راهنمای تورهای گردشگری نیز فعالیت می کرد. یک مرد 34 ساله که می خواهد کسب و کاری را به راه اندازد نیز افزود "اگر من بخواهم کاری انجام دهم، باید به مقامات دولتی رشوه بدهم، خیلی نه، ولی به اندازه ای که کارهای اداری را به جریان اندازد."

ایرانیان غالباً بخاطر اینکه فساد مالی در میان مقامات دولتی بسیار رایج است، حکومت دینی خود را ریاکارانه می دانند. یکی از خبرنگاران در گزارشی پس از توصیف جمع آوری آنتن های ماهواره غیرقانونی نوشت "ارتباط بین تقوی حکومت و سرمایه فاسد، بر دیدگاه ایرانیان نسبت به جهان سلطه دارد." هرچند غالباً آنتن های ماهواره بیشتر بخاطر اینکه مجرای برای نفوذ غرب هستند ممنوع هستند، ولی این خبرنگار به نقل از مخبر خود ادعا کرده است آنتن های ماهواره تنها زمانی جمع آوری شد که فرزند یکی از آیت الله های برجسته مرتبط با دولت موفق به امضای قراردادی شده بود که از طریق آن آنتن های ماهواره ای به اندازه لپ تاپ وارد می کرد. این تاجر آنتن های ماهواره که از روابط بسیار خوبی برخوردار است می خواست مطمئن باشد که تقاضای خوبی برای محصول جدید او وجود دارد.

علیرغم ممنوعیت های رسمی، آنتن های ماهواره تلویزیون بسیار رایج است. وقتی یکی از اعضای هیات شبکه 20/20 به دیدار یکی از بستگان خود در شیراز رفته بود، پسر عموی او گفته بخاطر دستگاه های ارتباطی و اشتراکی پیشرفته، ایرانیان هم اکنون می توانند به شبکه های Showtime, Cinemax آمریکا دسترسی داشته باشند و حتی به شبکه های پخش فیلم های مستهجن که برای آنها پول باید پرداخت شود نیز دسترسی دارند. او پرسید "دولت ایران چگونه می تواند تعیین کند چه کانال هایی در دسترس ما باشد؟" DVD فیلم های غربی بسیار رایج است، و علیرغم اینکه برخورداری از اینترنت پر سرعت بسیار رایج نیست بسیاری از جوانانی که با آنها ملاقات کردیم گفتند علیرغم پایین بودن سرعت اینترنت

و اشغال بودن خطوط، بسیاری از آنها به صورت روزانه برای بارگیری محتویات صوتی و تصویری از شبکه ای بین المللی از اینترنت استفاده می کنند. بنابر آمار مرکز آموزش و تحقیق سازمان جامعه مدنی ایران، زنان و مردان ایرانی بیش از 90 هزار وبلاگ منتشر کرده اند و به این ترتیب زبان فارسی را به سومین زبان پر طرفدار بر روی اینترنت تبدیل کرده اند.

تحصیلات عالی زنان تسریع شده است

به هنگام دیدار از دانشکده ها و دانشگاه ها، ما متوجه شدیم آموزش تخصصی زنان ضمن افزایش فشارها بر نرخ بیکاری، باعث افزایش تخصص در نیروی کار می گردد و بیانگر نیروی جدی برای تغییر اجتماعی است. هم اکنون میزان زنانی که از دانشگاه های ایران فارغ التحصیل می شوند بیشتر از مردان است. به عنوان مثال 20 تن از 25 فارغ التحصیل دانشگاه آزاد اسلامی در سمینار مدیریت منابع طبیعی زن بوده اند. در دانشکده فیزیک کاربردی نیز 70 درصد فارغ التحصیل زن بوده اند.

یک دانشمند پزشکی آمریکایی که به تهران سفر کرده بود به ما گفت شرایط تحصیل به گونه ای است که به نظر او بین محققان زن و مرد عدالت وجود دارد. به گفته او "در اطراف ظرف کشت میکروب هیچ تمایزی وجود ندارد."

یک پرستاری که تازه شیفت شب خود را به پایان رسانده بود تاکید کرد "من شخصی را به عنوان همسر انتخاب خواهم کرد که به من اجازه بدهد کار کنم زیرا من عاشق کار خود هستم." این احساسات در حالی شنیده می شود که در ایران یک زن برای کار کردن به اجازه همسر احتیاج دارد و اجازه آپارتمان برای یک زن مجرد دشوار است. مادران شاغل یک پدیده رو به افزایش است و نتیجه آن این است که شوهران برای نخستین بار در کارهای خانه نیز کمک می کنند. زنان متخصص به سمت های مدیریتی دسترسی ندارند و کمتر از یک سوم درآمدی را دارند که همکاران مرد آنها دارند.

چه کسی از حقوق زنان دفاع می کند، و چگونه

دو زنی که در تهران دارای تحصیلات عالی بودند خواستار اصلاحاتی فراتر از همکاری در کارهای منزل بودند. آنها خواستار برابری جنسی در دولت، جامعه و داخل خانه هستند. آنها گفتند بازنگری در قوانین طلاق، حضانت از فرزند ضروری است و به مسائل کوچکتری همچون این واقعیت که شوهران آنها اجازه ندارند به هنگام زایمان در بیمارستان در کنار همسرانشان باشند نیز اشاره کردند. آنها نیز همچون دیگر زنان از سراسر ایران نسبت به حضور در بازی های فوتبال و دیگر وقایع ورزشی در کنار مردان ابراز علاقه کردند. در مقایسه با ازدیاد خواسته های ایرانیان برای رعایت بیشتر حقوق بشر، آزادی بیان، سیستم قضایی، و شفافیت دولت، چنین آرزوهایی بسیار معمولی است.

در یکی از خیابان های تهران، دختر 23 ساله ای که از دانشگاه فارغ التحصیل شده بود با یک شلوار جین، پلوور و روسری به زنی دیگر که چادر به سر کرده بود اشاره کرد و پرسید، "آیا می دانید او چه پوشیده است؟" وقتی ما محترمانه گفتیم این چادر است او با شدت گفت "نه این یک زندان است." چنین اظهاراتی به وضوح نشان دهنده مخالفت های احشایی با پوشش علنی زنان است که بسیاری از غربی ها به هنگام سفر به ایران با آن مواجه می شوند و این مساله برای برخی از زنان ایرانی غریب نیست. ولی فرار زنان تحصیل کرده دانشگاهی از این پوشش نباید به عنوان میدان اصلی جنگ آنها برای بهبود زندگی زنان ایرانی تصور شود. یک زن روانپزشک ایرانی که چهل و چند سال سن داشت گفت: "زنان ترقی خواه بایستی نیروی زنان محافظه کار تر را وارد جامعه کنند. گاهی اوقات این زنان بیش از مردان از پیشرفت ما جلوگیری می کنند. بخاطر اینکه آنها اصول گر و آرمانی هستند متقاعد کردن آنها بسیار دشوار است. آنها همچنین نسبت به هنجارهای بین المللی بی تفاوت هستند." به این مساله باید توجه شود که علیرغم اینکه پس از انقلاب تعداد زنان باسواد بسیار افزایش یافته است، بیش از 70 درصد از زنان ایرانی نیز می توانند از آبتن شدن جلوگیری کنند. دیگر زنان جوانی که با آنها ملاقات کردیم نسبت به پوشیدن روسری خشمگین بودند و بسیاری از آنها برای آنکه حداقل کارهای ممکن برای نشان دادن امروزی بودن خود را انجام دهند اقدام به پوشیدن لباس های تنگ، رژ لب های براق و به عقب راندن

روسی های خود تا جای ممکن نموده اند. ولی آنها به ما گفتند نمی خواهند خارجی ها به آنها بگویند که روسی های خود را بردارند.

تحمل کردن در میان محدودیت ها و سرکوبی

بسیاری از ایرانیان بسیار آزادانه تر از آن چیزی زندگی می کنند که قوانین کشور به آنها رسماً اجازه می دهد. گاهی به قوانین بی توجهی می شود. یکی از مقامات ارشد سابق دولت می گوید یکی از راه های پیشرفت اجرای قوانین نیست، بلکه ایجاد جنگ های داخلی در مورد مسائل بسیار مهم است. او این روش را "فساد سودبخش" خواند. به گفته او یک بحث عمومی فرصت طلبانه به عنوان "جامعه کامل" وجود دارد که مدعی است چنین جامعه ای تنها در زندگی پس از مرگ قابل دست یابی است ولی از طریق این روش ممکن است بتوان صبر و تحمل را در جامعه افزایش داد. او اکبر هاشمی رفسنجانی رییس جمهوری سابق ایران را نمونه ای از این روش خواند و ضمن اشاره به اینکه رفسنجانی گاهی به فساد مالی متهم شده است ولی آزادی های شخصی، و همچنین خصوصی سازی شرکت های دولتی در دولت او افزایش یافت. در مقابل یک زن جوان سکولار که از فعالان حقوق زنان بود و ما با او ملاقات کردیم با این روش مخالف بود و اظهار داشت "فساد سودبخش یک راه حل موقت است و باعث می شود زنان همواره در مقابل نیروهای امنیتی موازی آسیب پذیر باشند و مشکل اصلی بی قانونی در جامعه ایران را دور بزند."

ایرانیانی که وضعیت کنونی را تحمل می کنند فشارهای بی امانی را نیز تحمل کرده اند. طی چهار سال گذشته، مقامات ایرانی دستور داده اند بیش از 100 روزنامه تعطیل شوند. در پاییز 2006، دولت روزنامه شرق را تعطیل کرد. روزنامه ای که سعی کرده بود به نوعی ضمن مطابقت با کنترل های دولت، ابزارهای لازم برای ژورنالیست های اصلاح طلب حفظ کند تا به شغل خود ادامه دهند. سردبیران شرق نیز همچون دیگر روزنامه های اصلاح طلب قبلی مورد تهدید و حملات قرار گرفته و گاهی زندانی شده اند. یکی از اساتید حقوق در دانشگاه تهران به ما گفت اساتید اصلاح طلب بخصوص در دانشکده های علوم سیاسی و انسانی تحت حکومت احمدی نژاد مجبور به بازنشستگی زود هنگام شده اند. علاوه بر تاثیر این بازنشستگی ها، از جمله خود او، این استاد نسبت به این مساله اعتراض داشت که سرپرستان دانشگاه های ایران هم اکنون کسانی هستند که "از تجربه مدیریت دانشگاهی بهره مند نیستند." وضعیت به اندازه ای وخیم است که اکثر روشنفکران و فعالان برجسته ایران یا از این کشور فرار کرده اند یا در داخل ایران سکوت اختیار کرده اند و با اتخاذ مشاغل مماسی، در انتظار زمان بهتری برای فعالیت هستند.

دانشجویان دانشگاه های تهران و شیراز به ما گفتند در پی مسدود شدن بسیاری از پایگاه ها و روزنامه های اینترنتی توسط دولت، آنها دوستانی در خارج از ایران پیدا کرده اند که تا مندرجات این پایگاه ها را از طریق پست الکترونیکی برای آنها ارسال نمایند. هرچند چنین اختراعاتی باعث شده نظر مخالفان همچنان در میان گروه کوچکی از دانشجویان و اساتید متعهد در جریان باقی بماند، دیگر شهروندان ایرانی که از صاحبان رستوران تا متخصصان محیط زیست را شامل می شوند، معترض هستند که مداخلات دولت به صورت موفقیت آمیزی توانسته است اینترنت را از محلی جایگزین برای بحث ها خارج کند. تعداد اندکی از فعالان نیز همچنان ثابت قدم هستند. احمد زیدآبادی که یک ژورنالیست است به صورت جسورانه ای گفت "اگر رژیم انتظار دارد من در مورد نقش حقوق بشر شهروندان ایرانی سکوت کنم وقت خود را تلف کرده اند. حتی اگر آنها تصمیم بگیرند من را همچون توماس مور اعدام کنند من پشیمان نخواهم شد."

ظهور، عقب نشینی، و احتمال احیای مجدد سیاست های اصلاحات

پس از آنکه رییس جمهور خاتمی برای در سال 1997 در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد امید در میان اصلاح طلبان به اوج خود رسیده بود. البته پس از آنکه خامنه ای رهبر ایران و متحدان روحانی او مکررا از ضعف ساختاری دفتر ریاست جمهوری برای تضعیف اصلاحات استفاده کردند این ذوق و اشتیاق کاهش یافت. پیروزی رییس جمهور احمدی نژاد در سال 2005 نیز بسیاری از آزادی خواهان را دلسرد کرد. یک استاد رشته کشاورزی به ما گفت "هر روز صبح که از خواب بیدار می شوم به خودم یادآوری می کنم که من در ایران هستم. من انتظارات خود را زیاد نمی کنم." در انتخابات شورای شهر و مجلس خبرگان، مجلسی متشکل از 86 عضو که کار مشاوره و انتخاب رهبر را برعهده دارد، در دسامبر 2006 نیز بسیاری از مخالفان رییس جمهور احمدی نژاد نسبت به نتیجه مثبت نا امید بودند. یکی از اساتید اهل یزد نیز به ما گفت "انتخابات در ایران بسیار عظیم است. ما برای بیش از 130 هزار کرسی، 46 میلیون رای دهنده واجد شرایط داریم. ولی شورای نگهبان همیشه به گونه ای رفتار می کند که نامزدهای محافظه کار آنها در همه رقابت ها بیشتر از سایرین باشند." دو پزشک در شهر اصفهان نیز نسبت به این مساله معترض بودند که بیش از دو سوم نامزدهای مجلس خبرگان یا اجازه شرکت در انتخابات را نداشتند یا از رقابت کناره گیری کردند. این بررسی ها شامل انتخابات شورای شهر سراسر کشور نیز شده بود. آیت الله احمد جنتی امام جمعه موقت نماز جمعه تهران نیز اعتراض کرده بود که تصمیم گیری ها در مورد اینکه چه کسی در انتخابات شورای شهر شرکت خواهد کرد توسط "رئیس اداره می شود."

علیرغم کنترل های شدیدی که در مورد اینکه چه کسانی می توانند در انتخابات ایران به رقابت پردازند وجود داشت، انتخابات ماه دسامبر نتایج تعجب آوری به همراه داشت. رییس جمهور احمدی نژاد که شورای نگهبان به حامی روحانی او نیز اجازه شرکت در انتخابات را نداده بود شاهد آن بود که نامزدهای عضو حزب رایحه خوش خدمت تنها موفق به سه کرسی از 15 کرسی شورای شهر تهران شد. این درحالی است که احمدی نژاد خود پیش از انتخاب شدن به عنوان رییس جمهور، شهردار تهران بوده است. محافظه کاران میانه رو توانستند هفت کرسی از شورای شهر تهران را به خود اختصاص دهند. اصلاح طلبان نیز چهار کرسی و یک فرد مستقل نیز یک کرسی را به خود اختصاص دادند. در دیگر نقاط نیز شرایط همینگونه بود. طرفداران احمدی نژاد در اصفهان تنها سه کرسی از 11 کرسی را به خود اختصاص دادند. در تبریز نیز چهار کرسی از 16 کرسی، در شیراز یک کرسی از 11 کرسی و در قم سه کرسی از 9 کرسی، و در اردبیل نیز که احمدی نژاد زمانی فرماندار آن بود طرفداران او تنها یک کرسی از 9 کرسی را به خود اختصاص دادند. در انتخابات مجلس خبرگان نیز رفسنجانی رییس جمهوری اسبق ایران برنده اصلی بود که بیش از سایر نامزدها در تهران رای کسب کرد و اخیرا نیز خواستار گرایش مصالحه جویانه تری در مورد رویارویی هسته ای ایران با آمریکا شده است. از همه مهم تر اینکه پیروزی رفسنجانی در پی آن صورت گرفت که خاتمی رییس جمهور سابق ایران موفق به تصویب توافقنامه ای شد که بر اساس آن رفسنجانی، خاتمی و مهدی کروبی رییس سابق پارلمان ایران توافق کردند هیچ نامزدی را برای کرسی مجلس خبرگان معرفی نکنند. میزان مشارکت در این انتخابات بیش از 60 درصد بود. البته تعیین اینکه آیا نتایج انتخابات حاکی از رد گسترده سیاست های نمایی احمدی نژاد است یا عکس العمل معکوس موسسات روحانی، بسیار دشوار است. ولی ناظران ایران، و بخصوص مقامات دولت آمریکا، در صورتی که توجه بیشتری به تغییر جریان سیاسی ایران نمایند عملکرد بهتری خواهند داشت.

رفتارها نسبت به آمریکا از زمان تهاجم به عراق

یکی از اساتید دانشگاهی که با او ملاقات کردیم به ما گفت باتوجه به اینکه دولت ایران می داند آمریکا به دنبال نفوذ در جامعه مدنی ایرانیان است تا به هدف تغییر حکومت خود برسد، "بسیار ضروری است که پیش از آنکه هرگونه همکاری امکان پذیر شود، آمریکایی ها هیچ ارتباطی با دولت آمریکا نداشته باشند و در میان ایرانیان شناخته شده و مورد احترام باشند." یکی از کارمندان یک سازمان غیر دولتی نیز به ما گفت سازمان های جوامع مدنی ایرانیان که تا دو سال پیش سعی می کردند از آمریکا کمک های مالی دریافت کنند هم اکنون از برقراری چنین تماس هایی خودداری می کنند. او گفت "ملاقات با آمریکایی ها باعث شده است در میان NGO های ایران رنجش بوجود آید و احساسات متفاوتی در مورد دریافت کمک از خارج ایجاد گردد." وی افزود برخی سازمان ها در جامعه مدنی ایران به صورت موقت مخفیانه فعالیت می کنند و پیشنهادات آمریکا به آنها تنها باعث افزایش نا امن تر شدن روابط آنها با دولت خواهد شد.

پیش از تهاجم آمریکا به عراق، ایران وفادارانه و پر حرارت ترین جمعیت طرفدار آمریکا در خاورمیانه را داشت که باتوجه به شرایط بقیه مناطق منطقه، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود. ولی تصاویر خرابی ها در عراق و گزارشات رسانه ها از تهاجم آمریکا که ایرانیان هر روز مشاهده می کنند شدیداً باعث تغییر این احساسات شده است. یک همسر و مادر جوان به ما گفت "طی سه سال اخیر، تهاجم سرهم بندی شده باعث شده است آمریکا دارایی های سیاسی خود را به صورت جدی از دست بدهد و امروزه آن نوع احساس همدردی که ایرانیان نسبت به حملات 11 سپتامبر داشتند دیگر وجود ندارد."

در عین حال اعضای آمریکایی و بین المللی شبکه 20/20 در سراسر ایران به گرمی مورد استقبال قرار گرفتند. سه مهندس رایانه زرتشتی که ما با آنها ملاقات کردیم به صورت دشواری واکنش خود به حملات شهر نیویورک و واشنگتن در 11 سپتامبر 2001 را نشان داد. یکی از آنها اینگونه به یاد می آورد:

وقتی 11 سپتامبر رخ داد، بسیاری از ایرانیان با مردم آمریکا احساس ناراحتی شدید و اتحاد می کردند. ما نیز همچون دیگر کشورهای جهان آن روز را به عنوان یک فاجعه ترسناک تلقی کردیم که کل جهان را تحت تاثیر قرار داد. جوانان سراسر ایران—در تهران، اصفهان، یزد—اشک ریختند و با برگزاری مراسم احیا در میدانی عمومی شمع روشن کردند. آنها این اقدامات بدون احساسات تروریستی را محکوم کردند و خواستار اجرای عدالت شدند. بسیاری از آنها شعار "مرگ بر تروریست ها!" سر دادند. البته این ابراز همدردی عمومی از چشم حکومت و آدم کشان آنها، بسیج، پنهان نماند. پسران نوجوان (حدود 12 تا 15 ساله) که برای عضویت در بسیج داوطلب شده بودند دستور داشتند که جمعیت را پراکنده کنند. آنها نیز این دستورات را با حمله کردن با باتون و هجوم توسط موتورسیکلت ها به میان جمعیت مردم اجرا کردند. من از ناحیه پشت سر مورد ضربه قرار گرفتیم و به بیمارستان انتقال داده شدم.

هرچند چنین داستان های دلگرم کننده ای نقش زیادی در حل اختلافات آمریکا و ایران ندارد، ولی می تواند یادآور این مساله باشد که احساس همدردی های شخصی همچنان ادامه دارد. ما متوجه شدید مکاتبه، و در برخی موارد همکاری در برخی میدانی فنی وجود دارد. محققان بین المللی در زمینه هایی همچون باستان شناسی و تحقیقات پزشکی در تمامی سال های انزوای ایران ادامه داشته است. اعضای هیات 20/20 نیز هم اکنون با دوستانی که به هنگام سفر به ایران با آنها آشنا شده اند در حال همکاری هستند. هرچند آغاز چنین ابتکارهایی به طول خواهد انجامید، در برخی مسائل همچون حقوق زنان، محیط زیست و فیلم سازی اقدامات امیدوار کننده ای صورت گرفته است.

پیش برد همکاری و ارتباطات

برخی از زمینه های بالقوه همکاری که ما شناسایی کرده ایم شامل بهداشت عمومی می شود که در آن موفقیت های ایران در تنظیم خانواده، معالجه معتادان، و معالجه HIV/AIDS و پیش گیری از آن مورد تحسین محققان و سازمان های آمریکایی و بین المللی قرار گرفته است؛ تحقیقات پزشکی در مورد بیماری های قلبی، گرفتگی چندتایی، و از دست رفتن بینایی که ایرانیان پیشرفت هایی را عموماً توسط سازمان های غیر دولتی بدست آورده اند؛ تحقیقات در زمینه سلول های بنیادین، برخلاف آمریکا بخاطر جدل های مربوط به الاهیات متوقف نشده است. بخشی از علت آن این است که سنی ها و شیعیان معتقدند روح در روز 120 در جسم جنین دمیده می شود؛ در زمینه محافظت از محیط زیست نیز مشاوران محلی سازمان های بین المللی فعال در تهران به ما گفته اند هزینه پروژه های محافظت از محیط زیست غالباً توسط مکانیسم های چند جانبه ای تامین می شود که آمریکا غالباً از حامیان مالی اصلی آنها است و ایران نیز پیش از این بمنظور به حداقل رساندن حفاری های نفتی در دریای خزر با همسایگان خود همکاری کرده است.

این درحالی است که انضمام ضعیف ایران در سیستم بین المللی حتی در تبادل مسائل غیر جنجالی نیز تاثیرگذار بوده است. یک پزشک محقق در موسسه رویان اصفهان گزارش داد ممانعت از ورود ایران به سازمان تجارت جهانی باعث شده است دسترسی او به تجهیزات پزشکی و قطعات یدکی کاهش یابد. یک دیپلمات نیز به ما گفت بخاطر تحریم ها، تا چندی پیش ایران ایر نتوانسته بود طی 27 سال گذشته برای ناوگان هوایی خود قطعات یدکی خریداری کند و این مساله شدیداً باعث خطرناک شدن اوضاع برای مسافران هوایی در داخل ایران شده بود. در مورد مسائل شخصی تر، برخورد بدگمانانه با ایرانیانی که وارد آمریکا می شوند باعث جلوگیری از تبادلات میان شخص با شخص می شود. به عنوان مثال در تابستان سال 2006 بیش از 100 تن از اساتید برجسته ایران قصد داشتند برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلان دانشگاه شریف به آمریکا سفر کنند. همه آنها از روادید معتبر برخوردار بودند ولی نیمی از آنها بخاطر آنکه افسران مرزی آمریکا نسبت به افزایش ناگهانی مسافران ایرانی نگران بودند به داخل کشور راه داده نشدند. چنین واکنش های بی اختیارانه و بیسوادانه مفید نیستند و از وقوع آنها باید جلوگیری شود.

علیرغم وجود مشکلات در ارتباطات و همکاری ها، در برخی مسائل فرهنگی نفوذهای مشترکی وجود دارد. رویارویی ما با بینندگان تلویزیون و فیلم های آمریکایی به همراه پذیرایی از فیلم های هنری ایران توسط سینمای آمریکا تصدیقی بر این امر است. تیم کشتی آمریکا که طی بیش از یک دهه در ایران پس از انقلاب به رقابت پرداخته است موفق به ایجاد روابطی محکم با همتایان و تماشاگران کشتی ایران شده است. ما همچنین به لغو ممنوعیت اخیر حضور ایران در مسابقه جام ملت های آسیا در سال 2007 توسط فیفا را مورد تایید قرار می دهیم. با به یاد آوردن اینکه میز تنیس در اوایل دهه 1970 چه نقشی را در بهبود روابط میان آمریکا و چین ایفا کرد، ما از احتمال رقابت ایران و آمریکا در جام جهانی سال 2010 استقبال می کنیم.

پیشنهادات

پیشنهادات به هر یک از گروه های زیر به ترتیب ارتباط مستقیم آنها با متخصصان شبکه 20/20 ارائه شده است.

به دولت آمریکا

دولت آمریکا باید روابط دیپلماتیک خود با ایران را از سر گیرد. دیگر نباید به دنبال تغییر حکومت باشد؛ حکومت ایران کنار نخواهد رفت. در عوض آمریکا باید از طریق کانال های دیپلماتیک برای مطرح کردن مسائلی که برای ما نگران کننده است، همچون حقوق بشر و حمایت از تروریسم، استفاده کند. در نهایت آمریکا باید همچون چین، به این کمک کند در سازمان های بین المللی از جمله سازمان تجارت جهانی بپیوندد. آمریکا باید این مساله را مورد بررسی قرار دهد که آیا الگوی همکاری آمریکا-ایران که در افغانستان موفقیت آمیز بود در عراق نیز قابل تکرار است یا خیر.

دیدار دو جانبه بین مقامات دو کشور بایستی مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه لازم برای از سرگیری روابط دیپلماتیک فراهم گردد. ضمن اشاره به اختلافات در مورد برخی مسائل بخصوص، این دیدار می تواند به اعلام دوجانبه نیت منجر گردد. این اعلامیه بایستی شامل منافع دو جانبه گردد تا منافع یک جانبه برای آمریکا یا ایران.

تاسیس هیاتی از افسران سرویس خارجی با آگاهی از زبان فارسی، تاریخ ایرانیان و فرهنگ ایرانیان باید تسریع گردد، و مکانیسم های کنونی مذاکره با ایرانیان باید گسترش یابد. محدودیت های موجود در مورد ملاقات مقامات ایرانی و آمریکایی باید کنار گذاشته شوند. در صورتی که روابط دوجانبه گرم تر گردد، داشتن کادری از دیپلمات های زیرک به آمریکا این امکان را خواهد داد تا ضمن حفظ مواضع دشوار در برخی مسائل، در مورد برخی مسائل دیگر با ایران همکاری کند. باتوجه به این مساله، ابتکار جدید زبان امنیت ملی باید در اولویت قرار گیرد. از زمینه هایی که ممکن است در آینده در آن همکاری هایی صورت گیرد شامل محیط زیست، معالجه و پیش گیری از اعتیاد و HIV/AIDS، جلوگیری از اعتیاد و تحقیقات پزشکی می شود.

دیگر اقداماتی که باید مورد بررسی قرار گیرد عبارتند از: الف) معتدل کردن لفاظی ها، زیرا تهدیدات، اتهامات، و ضرب الاجل ها بی تاثیر است؛ ب) به ایرانیان اجازه دهیم روایت ورود به آمریکا دریافت کنند و آنها را به انجام چنین سفرهایی تشویق کنیم؛ ج) احیای مجدد برنامه فولبرایت برای تبادلات دانشگاهی، بخصوص تبادل کوتاه مدت اساتید؛ د) فرستادن یک یا دو دیپلمات از وزارت امور خارجه هر کشور برای مطالعه زبان در دانشگاه کشور مقابل؛ و ه) تاسیس کلاس های مشترک مجازی و گروه های مناظره میان دانشگاه ها (همچون اقدام دانشگاه Soliya جهان عرب)، سازمان ها و موسسات.

وزارت امور خارجه بایستی با افسران اداره مهاجرت و دیگر شاخه های وزارت امنیت داخلی که برای ایرانیانی که به آمریکا سفر می کنند روایت صادر می کنند هماهنگ باشند تا مطمئن شوند این تبادلاتی که از قبل مورد بازرسی و تایید قرار گرفته است بخاطر عدم آگاهی افسران در مرزهای ورودی متوقف نشود.

همانگونه که پیش از این به آن اشاره شد، باید به ایرانیان روایت داده شود و آنها را به سفر کردن به آمریکا تشویق کنیم.

امتیازهایی باید تعیین گردد تا در صورت مصالحه ایران به آن ارائه گردد. هر چند که روابط هم اکنون به اندازه ای وخیم است که آمریکا نمی تواند پیش از دست یابی به توافق به ایران امتیاز بدهد، ولی چارچوب این امتیازها باید مشخص گردد. ترویج سرمایه گذاری مستقیم برای بهبود زیر بناهای رو به از بین رفتن نفتی ایران، تشویق عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، و کنار گذاشتن مخالفت های آمریکا با طرح گاز طبیعی بین ایران، پاکستان و هند می تواند از راه های احتمالی باشد. تبادلات فرهنگی و علمی نیز می تواند بخشی از یک بسته امتیازی باشد.

تحریم های کنونی آمریکا باید مورد بررسی قرار گیرد تا موثر بودن آنها مورد بررسی قرار گیرد، و پس از آن این بررسی ها انجام شود که آن دسته از تحریم ها که دارای تاثیر منفی اندک بوده یا هیچ تاثیری نداشته اند قادر به لغو است یا خیر. آن دسته از محدودیت هایی که ممکن است رنج های گسترده ای را برای شهروندان ایرانی به همراه داشته باشد باید لغو گردد. به عنوان مثال حتی تهدید به اعمال تحریم های اقتصادی گسترده همچون تحریم نفت شدیداً باعث تقویت نیروهای تندرو در ایران خواهد شد. تحریم های موجود علیه تبادل اطلاعات دانشگاهی یا فرهنگی موجود در فعالیت های مقامات ارشد دولتی در ایران، کوبا، و سودان باید لغو گردد. خواندن چنین مطالبی برای آمریکایی ها ارزشی واقعی خواهد داشت و بسیاری معتقدند چنین محدودیت هایی با ضمیمه اول قانون اساسی مطابقت ندارد.

ایران نباید قربانی عراق باشد. هر چند برآورد نقش ایران در حمایت از عوامل خشونت ها در درگیری های داخلی عراق فراتر از میدان پروژه ایران شبکه 20/20 است، ولی شرایط وخیم عراق قطعاً دلایل زیادی دارد. پیشنهاد گروه تحقیقات عراق مبنی بر اینکه ایران تشویق شود در قالب چارچوب یک توافق درون منطقه ای در مورد عراق همکاری کند همچنان یک گرایش امیدوار کننده تری نسبت به روش متخاصمانه ای است که مقامات آمریکایی آن را دنبال می کنند. دست کم آمریکا باید در یک بیانیه رسمی ضمن مخالفت با نوع نفوذی که ایران ممکن است در عراق داشته باشد، باید این مساله را به رسمیت بشناسد که تلاش ایران برای داشتن نفوذ در کشور همسایه خود یک منافع طبیعی است.

به کنگره آمریکا

جلسات استماعی باید در مورد چگونگی تعامل سازنده تر با ایران برگزار شود تا اقداماتی همچون عدم به رسمیت شناختن، انزوا، و تحریم هایی که طی بیش از یک ربع قرن علیه ایران انجام شده است. علاوه بر ارزیابی اطلاعات جاسوسی و برنامه های دولت آمریکا برای اشاره به شکایات امنیتی خود نسبت به ایران، کنگره باید جلسات استماع علنی خود را در مورد چگونگی تعامل سازنده با ایران برگزار نماید. هم اکنون صف طولانی از متخصصان در زمینه شرایط، سیاست ها، و رفتارهای ایران هم اکنون در آمریکا در میان ایرانیان آمریکایی و در میان اساتید دانشگاه ها، ژورنالیست ها، دیپلمات های سابق و برخی از تجار وجود دارد.

در جای ممکن، از متخصصان و صاحب نظران باید دعوت شود تا در چنین جلسات استماعی در مورد ایران شرکت کنند. این جلسات استماع باید شامل اطلاعاتی در مورد همکاری های کنونی میان آمریکایی ها و ایرانیان، و همچنین گزارشاتی در مورد رهبری ایران در زمینه های بهداشت، محیط زیست، و فرهنگ باشد. شبکه 20/20 بسیار خرسند خواهد شد که در چنین جلسات استماعی شرکت کند.

یکی از اولویت های اصلی باید سفر نمایندگان کنونی یا سابق کنگره به ایران باشد که پس از آن نیز سفر اعضای پارلمان ایران را به همراه داشته باشد.

به NGOها، دانشگاه ها، سازمان های رسانه ای، و شهروندان عادی

اقدامات فرد به فرد باید به آمریکایی ها کمک کند درک بهتری از ایران داشته باشند. با افزایش تجربه مردم از جامعه مقابل، تلاش هایی همچون اقدامات شبکه 20/20 می تواند اندک اندک تفکرات مهمی را در آمریکا و ایران بوجود آورد، می تواند مورد استفاده قرار گیرد تا نشست های جدیدی برای حل اختلافات صورت گیرد. این تبادلات فرد به فرد علاوه بر اینکه باعث ایجاد حسن نیت میان ایرانیان و آمریکایی ها گردد باید باعث افزایش میزان مباحثات میان دو کشور گردد. به همین منظور، شبکه 20/20 پیشنهاد می کند شبکه خود را از طریق برگزاری کنفرانس در مورد ایران گسترده تر سازد. کنفرانسی که در آن از ایرانیان، رهبران جوامع بزرگ ایرانیان آمریکایی در خارج از کشور، و محققان برجسته و دیگر متخصصان دارای تجربه در مورد ایران دعوت به عمل خواهد آمد. برنامه کاری آن شامل گزارشاتی در مورد رهبری ایران در زمینه های بهداشت، محیط زیست و فرهنگ خواهد بود.

سازمان های غیر دلتوی اگر می خواهند به همتایان ایرانی خود کمک کنند باید از آنها راهنمایی بگیرند. در فضای کنونی بدبینی نسبت به NGO های آمریکایی که بخاطر ترس از انتقال بودجه های تغییر حکومت از طریق آنها است، بسیار ضروری است که تلاش هایی برای اشاره به حقوق زنان، آزار و اذیت ژورنالیست ها، و دیگر مسائل مربوط به حقوق بشر در ایران مستقل از دولت آمریکا صورت گیرد. علاوه بر آن، سازمان های جامعه مدنی ایران باید در تعیین برنامه و تعریف طبیعت و حیطه این روابط رهبری را برعهده داشته باشند.

همکاری بین موسسات غیر رسمی ایران و آمریکا باید حفظ شود و گسترده تر گردد. در برخی زمینه ها، همکاری های ایجاد شده که غالباً توسط افرادی که در دانشگاه ها یا موسسات تحقیقاتی راه اندازی شده است سال ها دوام داشته است. حتی در صورتی که روابط میان مقامات آمریکایی و ایرانی وخیم تر شود نیز این تماس ها باید حفظ گردد. بهترین راه برای حمایت از همکاری های جدید در زمینه هایی همچون بهداشت، محیط زیست و فرهنگ که کمتر جنجالی هستند تامین بودجه آن از طریق سازمان های مستقل از دولت آمریکا است.

متخصصان دانشگاهی در مورد ایران باید مورد حمایت قرار گیرند. آموزش ها در مورد ایران و زبان فارسی باید در دانشگاه های آمریکایی افزایش یابد و تنها شامل متخصصان مسائل ایران نگردد. بلکه این مساله باید شامل آن دسته از کسانی که علاقمند به کار کردن در ایران هستند نیز بشود.

ایجاد ارتباط با دانشگاه های ایرانی باید تنظیم گردد و دوام برنامه های تحصیلی مشترک و تبادل دانش آموز و اساتید باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد. اولویت های این برنامه های مشترک باید در اجرای برنامه های مربوط به حقوق بشر، قانون بین الملل، بهداشت عمومی، و قوانین حفاظت از محیط زیست در سطوح منطقه ای و داخلی باشد. هرچند برای گسترش این برنامه ها می توان حمایت مالی انجام داد، ولی حمیات از بنیادها و جوامع ایرانیان آمریکایی نیز باید صورت گیرد. از استقلال برنامه های دانشگاهی در مقابل سیاست های دولتی نیز باید حمایت شود.

رسانه های غربی، از جمله از آمریکا، باید وقایع و عقاید داخل ایران را گزارش کنند، هرچند در حالی که رویارویی استراتژیک میان آمریکا و ایران صدر اخبار را به خود اختصاص داده است. گزارش دادن در مورد اینکه لفاظی ها و اقدامات آمریکا چگونه می تواند بر افکار عمومی ایرانیان تاثیر گذار باشد برای آمریکایی ها بسیار حیاتی است تا بتوانند میزان موثر بودن سیاست های دولت خود را مورد برآورد قرار دهند. رسانه ها باید به دنبال پوشش گسترده تر خبرهای سیاسی و اجتماعی ایران باشند تا اینکه فقط به نمایش های یک سیاستمدار توجه کنند. آنها همچنین بایستی فراتر از تصورات ساده در مورد بازنمایی سیاست ها و جامعه ایرانیان داشته باشند. مصرف کنندگان رسانه ها می توانند با اشاره به اشتباهات و ارائه نامه به سردبیران، ستون نویسان و دیگر رسانه های منعکس کننده افکار عمومی به پوشش خبری بهتری دست یابند.

فهرست الف

بیانیه ماموریت شبکه 20/20

آماده کردن رهبران آینده برای شکل دهی بحث امنیت جهانی

بیست سال بعد از حال، هنگامی که رهبران تجاری و سیاستمداران آمریکا و کشورهای اساسی در صلح جهانی بر سر میز مذاکره می نشینند،

آیا آنها همچون غربیه ها با یکدیگر ملاقات خواهند کرد یا به عنوان همکارانی
با سابقه همکاری؟

شبکه 20/20 یک سازمان مستقل و بدون منفعت است که کمک می کند رهبران نسل بعدی در آمریکا را آماده کند تا در ایجاد و اجرای سیاست های ترویج امنیت جهانی و دیپلماسی کارگشایی پرمعنی مشارکت داشته باشند. ما این کار را از طریق برگزاری کنفرانس های آموزشی و درسی در داخل کشور و از طریق سری سفرها و تبادلات خارجی انجام می دهیم.

شبکه 20/20 دو شکاف بزرگ در سیاست خارجی آمریکا را پر می کند: کمبود مشارکت جوانان و کمبود داده های جدی از سوی جامعه مدنی به صورت کل. شبکه 20/20 کمک می کند تا با اجازه دادن به اشخاصی نیمه متخصص که دارای ایده های جدید و نیرومند هستند که از تجربیات خود در جهان واقعی جامعه مدنی بدست آورده اند درک خود از سیاست خارجی را تصحیح نمایند و بینش خود را در اختیار همتایان خود قرار دهد.

اعضای شبکه 20/20 از جهان تجارت، متخصصان، رسانه، NGOها، مراکز مطالعات، دولت، و هیئت علمی دانشگاه ها هستند. آنها گروهی پراستعداد و متنوع هستند که شامل اتباع خارجی ساکن در آمریکا هستند. آنچه آنها را به هم نزدیک می کند این است که همه آنها افرادی با انگیزه و منظم هستند که زمان و انرژی چشم گیری را برای افزایش درک خود از جهان اختصاص می دهند.

فهرست ب

برنامه دیپلماسی کارگشا

در سال 2004، شبکه 20/20 برنامه دیپلماسی کارگشا خود را به منظور متصل کردن رهبران بخش های خصوصی آمریکا به همتایان آنها در دیگر کشورها آغاز کرد. با اعتقاد به اینکه واژه "دیپلماسی عمومی" دارای معنی بیش از تبلیغات دولت است، شبکه 20/20 در حال ساخت شبکه ای گسترده از شهروندان عادی پرنفوذ است که ایده هایی محکم و قابل اجرا را برای بهبود امنیت و موفقیت بین المللی ارائه می کنند. این سازمان این اهداف را از طریق تحقیقات، گفت و گو، و تحقیقات میدانی در مناطقی از جهان که از نظر امنیتی مورد نگرانی هستند دنبال می کند.

شبکه 20/20 یک اتحادیه بین المللی متشکل از افراد جوان و با استعدادی است که امیدوار هستند در امور بین المللی دست داشته باشند. در جهانی که روز به روز از نظر ایدئولوژیکی تک قطبی تر می شود، شبکه 20/20 اعضای خود را در بحث های مدنی مربوط به یافتن زمینه مشترک بین شرق و غرب، اسلام و مسیحیت، و کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه آموزش می دهد. ما معتقدیم جهان تنها زمانی ایمن تر خواهد شد که رهبران آن هم دیگر را بشناسند و به هم احترام بگذارند. در سال های آتی، اعضای ما در رتبه های تجارت، بخش خصوصی رشد خواهند کرد، و دولت مدنی نیز روابط خود با همتایان خود در کشورهایایی که برای امنیت جهانی جای نگرانی دارند حفظ خواهند کرد. بخاطر شبکه 20/20، آنها به شبکه ای بین المللی از همتایان خود دسترسی خواهند داشت. اعضای ما و دستیاران بین المللی آنها به همراه همدیگر به ایجاد جهانی ایمن تر و کامیاب تر کمک خواهند کرد.

ریچارد ام. مورفی
رییس، برنامه دیپلماسی کارگشایی

ریچارد ام. مورفی از سردبیران ارشد هفته نامه *Fortune Small Business* است. او دارای لیسانس ادبیات از دانشگاه هاروارد و دکترای انسان شناسی اجتماعی از دانشگاه آکسفورد مستقر در کارگاه های صحرائی در پاکستان است که او یک محقق فولبرایت بود. مقالات مورفی در *Fortune*، *Wall Street Journal*، *The New Republic*، *New York Times* و بسیاری دیگر از رسانه ها منتشر شده است. او هم اکنون با Alfred A. Knopf دارای قرار داد است تا کتاب *شب های لاهور*، تاریخچه ای در مورد فرهنگ و سیاست های معاصر پاکستان را بنویسد.

لنا سنه

معاون، برنامه دیپلماسی کارگشایی

لنا سنه از اعضای بنیانگذار شبکه 20/20 است که در حال حاضر از اعضای کاخ سفید در وزارت مسکن و توسعه شهری است. وی پیش از فعالیت در کاخ سفید، یک وکیل سرمایه گذاری در Lehman Brothers بود که به کار آفرینان و روسای شرکت های سهامی عام در مورد راهبردهای مختلف سرمایه گذاری مشاوره می داد. پیش از آن نیز او یک بانکدار خصوصی در JPMorgan Chase بود که در سال 2003 موفق به کسب جایزه سالانه ستاره در حال ظهور JPMorgan برای Annual Women's Bond Club Merit Award Dinner شد. سنه گواهی نامه های امنیتی 7 و NASD 63 را در اختیار دارد. او از اعضای هیئت مدیره انجمن نیویورک سازمان ملل متحد و از اعضای باشگاه اقتصادی نیویورک است. سنه که متولد آمریکا است، در سنگال، روسیه و اوکراین بزرگ شده است و به زبان های انگلیسی، فرانسوی، روسی و وولوف مسلط است.

فهرست ج

اعضای تیم پروژه شبکه 20/20

جرج بیلارد - رهبر تیم

جرج بیلارد یک سازنده فیلم مستقر در شهر نیویورک است. او ریاست شرکت Do Diligence را برعهده دارد که یک شرکت تولید کننده فیلم و تلویزیون است که برنامه های آن در بیش از 30 کشور جهان از جمله مغولستان، ژاپن، پرو، جزایر پلینزی فرانسه، استرالیا، مراکش، مصر، ترکیه، و جزیره ایستر شیلی پخش شده است. او همچنین ریاست Miracle Media را برعهده دارد که خود او تهیه و کارگردانی *The Well-Seasoned Traveler* برای شبکه تلویزیونی A&E را برعهده داشت.

طی 10 سال گذشته، بیلارد کارگردانی، تصویر برداری و تولید کتابخانه ای از تصویر سازی متحرک را برعهده داشته است که از طریق شرکت تصویری Getty در سراسر جهان منتشر شده است. علاوه بر آن، بیلارد همچنان به تهیه تبلیغات و مراودات صنفی ادامه می دهد. شرکت های Panasonic, American General, Toyota, Dannon, Sony و Revlon, Warner Brothers, از مشتریان او هستند. او دارای لیسانس فیلم و تلویزیون از دانشگاه بوستون است. در سال 2005 نیز او مدرک M.P.A. خود را از دانشکده دولت دانشگاه هاروارد به دست آورد. برای کسب اطلاعات بیشتر از پایگاه اینترنتی وی که جایزه به دست آورده است دیدن نمایید. www.planetbillard.com

پتریشیا بگلی

پتریشیا بگلی رییس و افسر ارشد اجرایی دو شرکت مرتبط به هم به نام های Prizmalite Industries و TioxoClean Inc. است که هر دو در فن آوری نانو فعالیت دارند.

پیش از تصدی گری های کنونی خود، بگرلی بیش از 20 سال در صنعت سرمایه گذاری بانک داری به عنوان رییس اداره سرمایه گذاری بانک داری در Sumitomo Bank در نیویورک و مدیر اجرایی و افسر ارشد دو بوتیک سرمایه گذاری بانکی تجربه داشته است. پیش از آن نیز او در صنف مالی Drexel Burnham Lambert فعالیت کرده بود. او از اعضای نخستین کلاس زنانی بوده است که از دانشگاه یل فارغ التحصیل شده است و دارای مدرک M.B.A. از دانشکده Wharton دانشگاه پنسلوانیا است که در آنجا به عنوان یکی از اعضای Wharton نیز انتخاب شد.

تای-هنگ چنگ

استاد تای-هنگ چنگ دستیار مدیر مرکز حقوق بین الملل در دانشکده حقوق نیویورک است. او همچنین استاد میهمان در دانشگاه Sara Lawrence است و از اعضای هیات مدیره شرکت حقوقی Engel McCarney & Kenney LLP است. در تمامی این سمت ها، او به مسائل پیچیده مشترک میان حقوق بین الملل عمومی و خصوصی رسیدگی می کند.

او در داوری داهبول که مربوط به بزرگ ترین سرمایه گذاری خارجی در جمهوری هند بود مشارکت داشته است. او همچنین مشاور دادستان کل دولت انتقالی سازمان ملل در تیمور شرقی بوده است.

استاد چنگ دارای دکترای علوم حقوق و فوق لیسانس حقوق از دانشگاه حقوق یل است که او از اعضای Howard M. Holtzman برای حقوق بین الملل است. او همچنین دارای فوق لیسانس هنر و حقوق از دانشگاه آکسفورد است که در آن از محققان آکسفورد نیز بوده است.

لین ای. فاستر

لین ای. فاستر سمت های ارشدی را در موسسات مالی و مدنی برعهده داشته و تعهد زیادی نسبت به حفاظت از منابع طبیعی، خدمات درمانی، و آموزش دارد. وی اخیرا به عنوان مدیر تحقیقات یک شرکت مدیریت سرمایه گذاری بازنشسته شده است و علاوه بر آن به عنوان یک کارگذار سازمانی، تحلیل گر دارایی خدمات درمانی، و مشاور یک شرکت سرمایه گذاری متخصص در سرمایه گذاری در زمینه خدمات درمانی فعالیت کرده است. او عضو کمیته اجرایی Board of the World Wildlife Fund است و ریاست کمیته نامزدی Board of the Population Council است. او رییس سابق شورای پیشاهنگی دختران نیویورک بزرگتر و متولی سابق پیشاهنگ های دختران آمریکا است.

فاستر در دانشکده Punahou در هاوایی شرکت کرد و لیسانس انگلیسی را از دانشگاه کانکتیکت دریافت کرد و مدرک M.B.A. خود را به همراه افتخاراتی در سرمایه گذاری و رفتار سازمانی از دانشگاه بوستون دریافت کرد.

توماس گورمن

توماس گورمن مدیر برنامه شبکه 20/20 است. او دارای مدرک فوق لیسانس علوم سیاسی از دانشگاه Vassar است. تحصیلات گورمن نیز بیشتر به امور بین المللی معطوف شده است که توجه بخصوصی به پیمانکاران امنیت خصوصی و سیاست های مبارزه با مواد مخدر در منطقه Andean داشته است. او پیش از این نیز به عنوان دستیار محقق در شورای امور نیم کره ای در واشنگتن فعالیت کرده بود که در آن مطالب مربوط به مسائل نیم کره غربی را تهیه می کرده است.

گورمن که در شهر بریسبان، در استرالیا متولد شده است، در شهر نیویورک بزرگ شده است. او سفرهای زیادی به استرالیا و نیوزیلند انجام داده است و به تولید شراب و مسافرت در بیابان ها پرداخته بود. او اندکی اسپانیایی سخن می گوید و هم اکنون در حال یادگیری زبان فارسی است.

دمتری گوناریس

دمتری گوناریس یک وکیل است که در اداره عملیات حفظ صلح در سازمان ملل کار می کند و در مورد مسائل لوجیستیک، تامین، و مدیریت قرارداد مشاوره می دهد. وی که در یک شرکت حقوقی بزرگ در شهر نیویورک دوره دیده است، در سرمایه گذاری پروژه، سرمایه گذاری ساخت یافته، و تبادلات بانکی تخصص دارد. او به صورت داوطلبانه برای انجمن کمک های حقوقی، داوطلبان خدمات حقوقی، و دارالمساکین سنت ایگناتیوس فعالیت کرده است. گوناریس همچنین به صورت داوطلبانه به پناهندگان و مهاجران در مرکز بین المللی نیویورک آموزش زبان انگلیسی می دهد.

گوناریس در یونان، جمهوری دومینیکن، و عربستان سعودی بزرگ شده و در دانشگاه بوستون و دانشکده حقوق بوستون تحصیل کرده است. او به زبان فرانسوی سخن می گوید و هم اکنون نیز در حال یادگیری زبان اسپانیایی است.

پتریشیا هانتینگتون

پتریشیا هانتینگتون طی بیش از 20 سال به قانون گذاران سیاست خارجی، برنامه های بین المللی عمران، و بشر دوستانه استراتژیک مشاوره داده است. شرکت های American Express, Ford Foundation و Sumitomo Corporation از مشتریان او هستند.

پیش از تاسیس شبکه 20/20، دکتر هانتینگتون مدیریت پروژه تحقیقات میدانی بنیاد راکفلر در 11 کشور در 4 قاره را برعهده داشت. دکتر هانتینگتون نتیجه آن را در گزارشی تحت عنوان "مین ها و رهبری آمریکا: دیدگاهی از نزدیک" او همچنین یک CD-ROM آموزشی در مورد پاکسازی جهانی مین توسط انسان تحت عنوان "مین ها: پاکسازی راه" تهیه کرده است که در سراسر جهان توزیع شده است.

دکتر هانتینگتون عضو شورای روابط خارجی، گروه سیاست خارجی زنان، زن در امنیت بین المللی، و انجمن سیاست خارجی سخنرانی های غیر رسمی است.

او بخاطر فعالیت های خود در مورد استعمارگری بریتانیا در آفریقای جنوبی رتبه دانشجوی ممتاز دانشگاه "اسمیت" را دریافت کرد. از دانشگاه UCLA مدرک فوق لیسانس تاریخ آفریقا را کسب کرده و مدرک Ed.D خود را نیز از دانشگاه راتجرز دریافت کرد.

گلن جانستون

گلن جانستون مدیر تحقیقات تجاری شرکت Kroll و مدیر توسعه تجاری برای منطقه آمریکای شمالی است. او پیش از پیوستن به شرکت Kroll سمت های مدیریتی در شرکت های حقوقی Loeb & Loeb و Covington & Burling برعهده داشته است.

او در اوایل دوره اشتغال خود به عنوان یک خبرنگار مالی در لندن و نیویورک فعالیت کرده بود. او همچنین چهار سال به عنوان افسر امور عمومی سازمان ملل متحد خدمت کرده است که در کمیته حقوقی مجمع عمومی و شورای امنیت منصوب شده بود. او دارای مدرک حقوق از دانشگاه ترینییتی در دوبلین است.

راهول منچاندا

راهول منچاندا پیش از آغاز این شغل خود برای یکی از بزرگ ترین شرکت های حقوقی در منهن کار می کرد که وظیفه او رسیدگی به دعاوی مربوط به پنبه های نسوز بود. پیش از آن او برای یک شرکت چند ملیتی در پاریس کار می کرد که وظیفه اصلی او تحکیم بین المللی، توافقنامه های حکمیت، گزینه محل دادرسی، و سیاست خارجی بود.

منچاندا در دانشگاه بوستون مدرک فوق لیسانس بیولوژی گرفت و در علوم شیمی و بیولوژی خود را مجزا نمود. او همچنین در دانشگاه یل شرکت نمود و به مطالعه سلول های ملکولی و بیولوژی تکاملی پرداخت.

او پذیرفته شده است تا در ارشد ترین دادگاه های ایالتی و فدرال ایالت نیویورک فعالیت کند و هم اکنون نیز از اعضای فعال کانون وکلای آمریکا، کانون وکلای ایالت نیویورک، انجمن وکلای مهاجرت آمریکا، Phi Alpha Delta International، مرکز همبستگی جهانی، و انجمن آسیا است.

منچاندا به زبان های فرانسوی، انگلیسی، هندی، اردو و پنجابی مسلط است. او همچنین زبان های روسی، لاتین و عبری را آموخته است.

سارا فول

سارا فول عضو پیوسته اداره امنیت WilmerHale است. او در زمینه تحقیقات نظم دهنده، از جمله تحقیقات داخلی مستقل از رفتارهای حسابرسی های نادرست برای 500 شرکت جهانی Fortune فعالیت می کند. تحلیل فلسفه حقوق فقه برای دادگاه عالی آمریکا، حضور داوطلبانه برای پناهندگان، و تحقیق برای Open Society در مورد مسائل حقوق جنایی بین المللی از دیگر فعالیت های او است.

فول مدرک عالی J.D را از دانشگاه دوک دریافت کرد و دبیر ارشد حقوق تطبیقی و بین المللی ژورنال دوک بود. او همچنین در کمیته وکلای حقوق بشر به عنوان کارآموز فعالیت کرد و در مورد قانون جنایی بین المللی مربوط به دادگاه جنایی بین المللی فعالیت کرده است. فول همچنین از اعضای کانون وکلای نیویورک است.

السی وانس

السی وانس در حال حاضر یک مشاور بین المللی مستقر در استانبول و نیویورک است. مشتریان او شامل موسسات آموزش رهبری و فرهنگی در ترکیه و آمریکا است که او به آنها خدمات استراتژیک، بازاریابی و مدیریتی ارائه می کند. وانس همچنین عضو هیات منصفه دانشگاه رابرت در استانبول، موسسه تحقیقات آمریکا در ترکیه، و پروژه مدیریتی واشنگتن است.

وانس پیش از عزیمت به استانبول، از سال 1987 تا 1994 به عنوان معاون شرکت تضامنی شهر نیویورک، که یک سازمان برجسته مدیریت تجاری در نیویورک است و در زمینه ترویج جو اجتماعی و اقتصادی شهر است فعالیت می کرد. پیش از آن نیز او از سال 1970 تا 1986 سمت های مدیریتی در مجلس سنا آمریکا بر عهده داشته است.

وانس دارای مدرک فوق لیسانس تاریخ از دانشگاه اندربیلت و مدرک M.B.A. از دانشگاه Koc در استانبول است. او با دکتر آتیلا عسکر، مدیر دانشگاه Koc ازدواج کرده است.

جوزی ریگنون-ربول

جوزی ریگنون-ربول که یک وکیل است در فرانسه متولد شد و در موسسه مطالعات عالی بین المللی و مرکز جامعه اروپایی دانشکده حقوق در پاریس تحصیل کرد. خانم ریگنون-ربول پس از عزیمت به آمریکا در سال 1975 مدرک LLM خود را از دانشگاه نیویورک دریافت کرد و به عضویت کانون وکلای نیویورک درآمد. او در ابتدا در شرکت حقوقی Skadden Arps در نیویورک و سپس شرکت بیمه Prudential در ایالت نیوجرسی به عنوان معاون شورای عمومی مشغول به کار شد. پس از گذراندن دوران مادی نیز به عنوان میانجی یک مرکز اجتماعی فعالیت کرد.

او که به زبان فرانسوی و انگلیسی تسلط دارد تا اندازه با زبان اسپانیایی نیز تا آشنایی دارد و معمولاً به فرانسه سفر می کند.

کریستیان وان دنهوت

کریستیان وان دنهوت به عنوان پسر یک دیپلمات هلندی در نیویورک متولد شد و تا چهار سالگی در این شهر بزرگ شد. پس از آن در شهر لاهه در یک دانشگاه بریتانیایی تحصیل کرد و پیش از شرکت در دانشگاهی در انگلیس به شهر نیویورک بازگشت. او ضمن تحصیل در دانشگاه Eton به عضویت در تیم های فوتبال، راگبی، کریکت، تنیس، اسکواش، هندبال و راکت این دانشگاه پرداخت.

او پیش از ورود به دانشگاه برای سناتور تد کندی در واشنگتن به عنوان کار آموز کار کرد و پس از آن به آمریکای جنوبی، استرالیا، و جنوب شرق آسیا سفر کرد. او هم اکنون دانشجوی سال دوم تاریخ در دانشگاه Edinburgh است.

وان دنهوت به فیلم و هنر، فرهنگ های خارجی، و روابط بین الملل علاقمند است. در دانشگاه Eton او عضو کمیته جامعه سیاسی بود و هم اکنون نیز در انجمن سیاسی دانشگاه Edinburgh فعالیت می کند. او به مدت 9 هفته در شبکه 20/20 به عنوان کارآموز فعالیت کرد و به تهیه فهرست این گزارش کمک کرد.

اعضای شبکه 20/20 از

مرکز حقوق بین المللی در دانشکده حقوق نیویورک

در جولای 2006، مرکز حقوق بین الملل و شبکه 20/20 از ده ها نامزد مصاحبه کرد و در نهایت دو تن از آنها را به عنوان اعضای شبکه 20/20 انتخاب کرد تا تحقیقاتی را در مورد ایران انجام دهند. آنها عبارتند از:

مت ابرامز

مت ابرامز دانشجوی سال سوم حقوق در دانشکده حقوق نیویورک است. او با مدرت فوق لیسانس در رشته علوم سیاسی از دانشگاه کلمبیا فارغ التحصیل شد. او دوره های کارموزی خود را با جرولد نادلر نماینده دمکرات ایالت نیویورک در کنگره آمریکا، انجمن کمک های قانونی نیویورک، انجمن Justice Phyllis Gangel-Jacob از Appellate Term از کمیته اول دادگاه عالی نیویورک گذراند.

او به عنوان دستیار تحقیقات با استاد آنتونی فلتچر و تای-هنگ چنگ که هر دو از دانشکده حقوق نیویورک هستند کار کرده است. او قصد دارد پس از اتمام تحصیلات در نیویورک در زمینه حقوق فعالیت کند و در نهایت برای یک سمت عمومی رقابت کند.

شهاب قلمبر

شهاب قلمبر دانشجوی سال سوم رشته حقوق در دانشگاه حقوق نیویورک است. او دارای لیسانس های علوم سیاسی و سرمایه گذاری از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا است. پیش از دانشکده حقوق نیز علاقه درسی او به سیاست و تئوری روابط بین الملل بود. علاقه اصلی او به حقوق نیز در زمینه دادرسی های تجاری و حقوق بین الملل است.

قلمبر در تهران متولد شده است و در سن چهار سالگی به همراه خانواده خود به جنوب کالیفرنیا مهاجرت کرد که خانواده او هنوز در همانجا اقامت دارند. او در مکالمه فارسی و اسپانیایی مسلط است. او اخیرا با کاترین پول که یک معلم دوره متوسطه در منهتن است نامزد کرده است.

فهرست د

ویراستاران گزارش ایران

آزاده معاونی
والی آر. نصر

خبرنگار هفته نامه تایم، تهران
دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه،
شورای روابط خارجی
استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی
دانشگاه عالی نیروی دریایی

مشاوران پروژه ایران

رییس دانشکده انسان شناسی
دانشگاه مینسوتا
عضو ارشد کمی مطالعات خاورمیانه، شورای
روابط خارجی
استاد تاریخ خاورمیانه، موسسه خاورمیانه
دانشگاه کلمبیا
منتقد فیلم، *Independent Weekly*
کتابدار بخش مطالعات خاورمیانه و یهودیت
کتابخانه های دانشگاه کلمبیا
معاون برنامه استراتژی آمریکایی
مدیر آمریکا در ابتکار جهانی
بنیاد جدید آمریکا
مدیر تحقیقات
موسسه *Mosaic*
مدیر پروژه
یک ملت - با آزادی و عدالت برای همه
مستقر در موسسه *EastWest*
مدیر اجرایی
شورای ملی ایرانیان آمریکایی
افسر ارشد امور اقتصادی
بخش توسعه پایدار
کمیته امور اقتصادی و اجتماعی
سازمان ملل متحد

ویلیام او. بیمن
راشل برونسون
ریچارد دبلیو. بولیت
گادفری چشیر
حسین کمالی
پریسیلا لوئیس
علیاد مافی نظام
سید میرزا جعفری
ترینا پارسی
محمد رضا سلامت

فهرست ذ

فهرست برگزیده افراد مصاحبه شده در ایران
نام ها بنا به درخواستشان محفوظ مانده است

هیات علمی دانشگاه

دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی	رییس دانشگاه ادیان اسلامی
معصومه ابتکار	استاد ایمنی شناسی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تربیت مدرس معاون رییس جمهور (1997-2005) جمهوری اسلامی ایران
آدرخش مگری	رییس (1997-2005) سازمان حفاظت از محیط زیست ایران استادیار روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران
بی نام	استاد دانشگاه تهران

تجارت

علی، 30 و چند ساله	رستوران دار، تهران
احمد، 34	کاسب/بخش انرژی، تهران
بی نام، 37	مدیر شرکت فروش رایانه تهران
مهدی، 27	مدیر شبکه/صاحب یک شرکت کوچک، اصفهان، شیراز و تهران
سامی، 26	مدیر شرکت، اصفهان و تهران

Think Tanks و NGO ها

لاله دارایی	هماهنگ کننده ملی برنامه کمک های بلاعوض کوچک برنامه عمران سازمان ملل متحد تحلیل گر برنامه انرژی، محیط زیست، و فاجعه مدیر بخش جامعه شناس بالینی
سعید فردوسی	مرکزی ملی مطالعات اعتیاد ایرانیان سازمان بین المللی، تهران مروج حقوق زنان، تهران
حمیدرضا طاهری نخست	
بی نام	
بی نام	

علوم

مصطفی، اواخر 30 سالگی	استاد کشاورزی، تهران
بی نام	محقق پزشکی – معالجه اعتیاد تهران
بی نام	محقق پزشکی – معالجه اعتیاد

تهران
پزشک، اصفهان
پزشک، اصفهان

بی نام
بی نام

صدای ایرانیان

فارق التحصیل، تهران	آناهیتا، 23
فارق التحصیل، تهران	مهدی، 24
هماهنگ کننده مسافرتی، تهران	سارا، 20 و چند ساله
راهنمای مسافرتی	مرد، 60 و چند ساله
افسر سابق نیروی دریایی؛ راننده	مرد، 50 و چند ساله
تهران	
دانشمند، تهران	مرد، 40 و چند ساله
دیپلمات، تهران	مرد، 50 و چند ساله
راننده، تهران	مرد، 67
راننده، تهران	مرد، 60 و چند ساله
پرستار، تهران	زن، 32
فعال - حقوق زنان، تهران	زن، 30 و چند ساله
راننده تاکسی، تهران	مرد، 40 و چند ساله
مغازه دار، شیراز	مرد، 40 و چند ساله
فارق التحصیلان	زن، 20 و 23
دانشگاه آزاد، شیراز	
دانشجوی طراحی معماری	پگاه، 20
دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز	
دانشجوی طراحی معماری	زن، 21
دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز	
دانشجوی مهندسی نرم افزار	مرد، 20 و چند ساله
دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز	
مغازه دار، شیراز	مرد، 50-60 ساله
به دنبال کار، شیراز	مرد، 20 و چند ساله
دانشجوی زبان انگلیسی، یزد	سارا، 21
دانشجوی زبان انگلیسی، یزد	مریم، 20
مهندسان رایانه، یزد	مرد - 20، 20، و 22
شغل نامعلوم، یزد	مرد، 50 و چند ساله
مدیر شرکت، یزد	مرد، 28
استاد، یزد	مرد، 50 و چند ساله
دانش آموز، اصفهان	پسر Hazera، 14-15
پزشک محقق، اصفهان	مرد، 40 و چند ساله
حسابدار، اصفهان	مرد، 30 و چند ساله
محقق، سواحل دریای خزر	نگین، 30

رسانه ها

خبرنگار هفته نامه تایم، تهران	آزاده معاونی
خبرنگار، تهران	بی نام

دین و فرهنگ

روحانی، قم	بی نام
------------	--------

فهرست ه

مصاحبه شوندهگان در آمریکای شمالی و اروپا

اعضای هیئت علمی رضا اصلان	نامزد دکترا رشته جامعه شناسی ادیان در دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا رئیس دانشکده انسان شناسی دانشگاه مینسوتا استاد تاریخ خاورمیانه، موسسه خاورمیانه دانشگاه کلمبیا
ویلیام او. بیمن ریچارد دبلیو. بولیت	محقق میهمان، مرکز مطالعات بین المللی موسسه فن آوری ماساچوست عضو پارلمان ایران (2000-2004) استاد یار مطالعات اسلامی و خاورمیانه دانشگاه نیویورک
فاطمه حقیقت جو	کتابدار بخش مطالعات خاورمیانه و یهودیت کتابخانه های دانشگاه کلمبیا مدیر تحقیقات موسسه Mosaic دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه، شورای روابط خارجی استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی دانشگاه عالی نیروی دریایی محقق ارشد تحقیقات موسسه خاورمیانه دانشکده امور بین المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا
برنارد هایکل	مدیر تحقیقات موسسه Mosaic دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه، شورای روابط خارجی استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی دانشگاه عالی نیروی دریایی محقق ارشد تحقیقات موسسه خاورمیانه دانشکده امور بین المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا
حسین کمالی	مدیر تحقیقات موسسه Mosaic دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه، شورای روابط خارجی استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی دانشگاه عالی نیروی دریایی محقق ارشد تحقیقات موسسه خاورمیانه دانشکده امور بین المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا
علیاد مافی نظام	مدیر تحقیقات موسسه Mosaic دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه، شورای روابط خارجی استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی دانشگاه عالی نیروی دریایی محقق ارشد تحقیقات موسسه خاورمیانه دانشکده امور بین المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا
والی نصر	مدیر تحقیقات موسسه Mosaic دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه، شورای روابط خارجی استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی دانشگاه عالی نیروی دریایی محقق ارشد تحقیقات موسسه خاورمیانه دانشکده امور بین المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا
گری سبک	مدیر تحقیقات موسسه Mosaic دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه، شورای روابط خارجی استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی دانشگاه عالی نیروی دریایی محقق ارشد تحقیقات موسسه خاورمیانه دانشکده امور بین المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا
نگین یآوری	مدیر تحقیقات موسسه Mosaic دستیار ارشد مطالعات خاورمیانه، شورای روابط خارجی استاد سیاست های خاورمیانه و آسیای جنوبی دانشگاه عالی نیروی دریایی محقق ارشد تحقیقات موسسه خاورمیانه دانشکده امور بین المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا
تجارت	مدیر اجرایی Fortune Asset Management Ltd. طراح، Tassoudji Designs مدیر، SCP Partners
امیر فرمانفرمایان	مدیر اجرایی Fortune Asset Management Ltd. طراح، Tassoudji Designs مدیر، SCP Partners
نازنین فرمانفرمایان	مدیر اجرایی Fortune Asset Management Ltd. طراح، Tassoudji Designs مدیر، SCP Partners
سلمان فرمانفرمایان	مدیر اجرایی Fortune Asset Management Ltd. طراح، Tassoudji Designs مدیر، SCP Partners
حقوق	شریک Skadden, Arps, Slate, Meagher & Flom
سیروس امیر مکرری	شریک Skadden, Arps, Slate, Meagher & Flom
مراکز مطالعات و NGOها	بنیانگذار و رئیس مجمع بین المللی فرهنگ ایرانیان
مهدی فریدزاده	بنیانگذار و رئیس مجمع بین المللی فرهنگ ایرانیان

رییس صندوق برادران راکفلر افسر ارشد برنامه، مرکز عملیات صلح و ثبات پس از درگیری موسسه صلح ایالات متحده معاون برنامه استراتژی آمریکایی مدیر آمریکا در ابتکار جهانی بنیاد جدید آمریکا مدیر بنیاد <i>Kenbe</i> رییس مشترک صندوق <i>Pluralism</i> مدیر پروژه یک ملت - با آزادی و عدالت برای همه مستقر در موسسه <i>East West</i> بنیانگذار، رییس و عضو هیئت رییس موسسه <i>EastWest</i> رییس هیات مدیره مرکز منابع <i>NGO</i> همپاران ایران مدیر اجرایی، شرکت مشاوره آتیه بهار مدیر اجرایی شورای ملی ایرانیان آمریکایی افسر ارشد امور اقتصادی بخش توسعه پایدار کمیته امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد مشاوره ویژه مدیر و رییس پروژه اسلام، شرکت کارنگی نیویورک هماهنگ کننده مطالعات موسسه <i>EastWest</i> مشاور <i>Action des Chrétiens Pour</i> <i>L' Abolition de la Torture, Paris</i>	استفان هاینتز سرلشگر (بازنشسته) پائل هافر پریسیلا لوئیس ژنویو لینچ سید میرزا جعفری جان ادوین روز باقر نمازی سیامک نمازی تریتا پارسی محمد رضا سلامت دیوید اسپیدی استفان تانکل آنیسه وان انگلند دولت آمریکا نیکولاس برنز دکتر سوزان مالونی کارن وولکر دولت ایران جناب آقای محمود احمدی نژاد بهمن نعیمی ارفع جناب آقای دکتر جواد ظریف
--	--

خانم مریم ظریف

بی نام

رسانه ها

گادفری چشیر
روکسانا فرمانفرمایان

عضو
کمیته بین المللی شبکه 20/20
مقام کنونی دولت
جمهوری اسلامی ایران

منتقد فیلم، *Independent Weekly*
دبیر بررسی امور بین المللی کمبریج

فهرست ی

ملاقات ها و توجیبات پشت صحنه

2005

9 مارس

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20
ایران: جنگ بعدی؟ یک دیدگاه داخلی

روکسانا فرمانفرمایان
دبیر بررسی امور بین المللی کمبریج

19 آوریل

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20
پس از صدام: دیدگاه ایران از بازسازی عراق
نمایندگانی دایم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد

سفیر جواد ظریف
نماینده دایم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد

25 جولای

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20: هیچ خدایی جز خدا نیست
صندوق برادران راکفلر

رضا اصلان
نامزد دکتری در تاریخ ادیان در دانشگاه کالیفرنیا، Santa Barbara، دستیار سابق استاد مطالعات اسلامی و خاورمیانه در
دانشگاه Iowa، و از اعضای Truman Capote در کارگاه نویسندگان تخیلی Iowa

26 اکتبر

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20:
پول و قدرت در ایران امروز

سیامک نمازی
مدیر اجرایی، مشاوره عطیه بهار
محقق سیاست عمومی، مرکز مطالعات بین المللی Woodrow Wilson در پرینستون

2006

2 می

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20
جناب آقای دکتر جواد ظریف
نماینده دایم جمهوری اسلامی ایران
مذاکرات ایران-آمریکا در مورد عراق: زمینه مشترک؟
نمایندگی دایم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد

20 سپتامبر

ملاقات به صرف صبحانه با دانشگاهیان
جناب آقای محمود احمدی نژاد
رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران

11 اکتبر

سیاست آمریکا در قبال ایران
شورای روابط خارجی
نیکولاس برنز
معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور سیاسی

11 اکتبر

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20 با صندوق Pluralism
مثلت خیانت آمیز: توافقات محرمانه ایران، اسرائیل و آمریکا
بنیاد راکفلرد
دکتر تریتا پارسی
رئیس شورای ملی ایرانیان آمریکا

26 اکتبر

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20
احیای تشیع
بانک خصوصی JP Morgan
والی نصر
استاد دانشکده امور امنیت ملی در دانشگاه فارق التحصیلان نیروی دریایی
از اعضای کمی ارشد شورای روابط خارجی

20 نوامبر

جلسه توجیهی محرمانه شبکه 20/20
نقش ایران در امنیت منطقه ای
U.S. Trust
سفیر جواد ظریف
نماینده دایم جمهوری اسلامی ایران

Appendix H

Further Reading

- Armstrong, Karen, *Islam: A Short History* (New York: Modern Library Chronicles, 2000)
- Aslan, Reza, *No god but God* (New York: Random House, 2005)
- Atlantic Council, *Thinking Beyond the Stalemate in U.S.-Iranian Relations*, Lee H. Hamilton, James Schlesinger, and Brent Scowcroft, Co-Chairs; Elaine L. Morton, Author-Rapporteur; C. Richard Nelson, Project Director. (Washington, D.C.: Atlantic Council, 2001)
- Beeman, William O., *The "Great Satan" vs. the "Mad Mullahs": How the United States and Iran Demonize Each Other* (Westport, CT: Praeger, 2005)
- Berkeley, Bill, "Know Thine Enemy," *Columbia Journalism Review* September/October 2006, available at: <http://cjr.org/issues/2006/5/berkeley.asp>
- Biazar, Abd al-Karim, *The Covenant in the Qur'ân: The Key to Unity of the verses contained in Qur'anic Surahs* (Tehran, Office for Diffusion of Islamic Culture, undated)
- Bowden, Mark, *Guests of the Ayatollah* (New York: Atlantic Monthly Press, 2006)
- Brzezinski, Zbigniew, *The Grand Chessboard: American Primacy and Geopolitical Imperatives* (New York: HarperCollins, 1997)
- Bulliet, Richard W., *The Case for Islamo-Christian Civilization* (New York: Columbia University Press, 2004)
- Council on Foreign Relations, *Iran: Time for a New Approach*, Zbigniew Brzezinski and Robert M. Gates, Co-Chairs; Suzanne Maloney, Project Director (New York: Council on Foreign Relations, 2004)
- Ebadi, Shirin, with Azadeh Moaveni, *Iran Awakening: A Memoir of Revolution and Hope* (New York: Random House, 2006)
- Ebtekar, Massoumeh, with Fred A. Reed, *Takeover in Tehran: The Inside Story of the 1979 U.S. Embassy Capture* (Vancouver: Talonbooks, 2000)
- Economist Intelligence Unit, *Country Report Iran* (London: The Economist, 2003)
- Elliot, Jason, *Mirrors of the Unseen* (London: St. Martins Press, 2006)

- Esfandiari, Haleh, *Reconstructed Lives: Women and Iran's Islamic Revolution* (Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1997)
- Iran CSOs Research and Training Center, *A Report on the Status of the Internet in Iran* (November 2005) available at:
<http://www.irancsos.org/english/publications/reports/index.htm>
- Klebnikov, Paul, "Millionaire Mullahs," *Forbes* (July 21, 2003), available at:
<http://www.forbes.com/global/2003/0721/024.html>
- Moaveni, Azadeh, *Lipstick Jihad* (New York: PublicAffairs, 2006)
- Molavi, Afshin, *Persian Pilgrimages: Journeys across Iran* (New York: W.W. Norton & Co., 2002)
- Mottahedeh, Roy, *Mantle of the Prophet: Religion and Politics in Iran* (Oxford: Oneworld, 1985)
- Mozaffari, Nahid, ed., *Strange Times, My Dear* (New York: Arcade Publishing, 2005)
- Nasr, Vali R., *The Shia Revival* (New York: W.W. Norton & Co., 2006)
- Pollack, Kenneth, *The Persian Puzzle* (New York: Random House, 2005)
- Roy, Olivier, *Globalized Islam: The Search for a New Ummah* (New York: Columbia University Press, 2004)
- Salehi-Isfahani, Djavad, "Revolution and Redistribution in Iran: Poverty and Inequality 25 Years Later," paper presented at the Third Annual World Bank Conference on Inequality, Washington D.C., June 5-6, 2006, available at: http://www.filebox.vt.edu/users/salehi/Iran_poverty_trend.pdf
- Schnellinger, Lisa and Mohannad Khatib, *Fighting Words: How Arab and American Journalists Can Break Through to Better Coverage* (Washington, D.C., International Center for Journalists, 2006)
- Scolino, Elaine, *Persian Mirrors: The Elusive Face of Iran* (New York: Simon & Schuster, 2000)
- Sick, Gary, *All Fall Down: America's Tragic Encounter with Iran* (New York: Random House, 1986)
- Stern, Roger, "The Iranian Petroleum Crisis and United States National Security," *Proceedings of the National Academy of Sciences*, Vol. 104, No. 1, 377-382 (January 2, 2007) available at: <http://intl.pnas.org/cgi/content/short/104/1/377>
- Takeyh, Ray, *Hidden Iran: Paradox and Power in the Islamic Republic* (New York: Times Books, 2006)
- UNICEF, Under-Five Child Mortality Data available at:
<http://childinfo.org/cmr/revis/db2.htm>

Ward, Terence, *Searching for Hassan* (New York: Random House, 2002)

Watkins, Kevin, et al, *Human Development Report 2006; Beyond Scarcity:*

Power, Poverty and the Global Water Crisis (New York: United Nations Development Programme, 2006), information on Iran available at:

http://hdr.undp.org/hdr2006/statistics/countries/country_fact_sheets/cty_fs_IRN.html

World Bank, Data and Statistics for Iran available at:

<http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/COUNTRIES/MENAEXT/IRANEXTN/0,,menuPK:312982~pagePK:141132~piPK:141109~theSitePK:312943,00.html>

_____, “Country Brief: Iran” (September 2006) available at:

<http://siteresources.worldbank.org/INTIRAN/Resources/IRANBRIEF-2006AM.pdf>

Wright, Robin, *The Last Great Revolution: Turmoil and Transformation in Iran* (New York: Alfred A. Knopf, 2000)